
بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

□ از سری منشورات مجله امان

نهم ربیع

بیعتی دوباره با امام زمان

عنوان قراردادی	: امان (مجله)
عنوان و نام پدیدآور	: نهم ربیع بیعتی دوباره با امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف / تهیه کننده دفتر مجله امان.
مشخصات نشر	: قم: بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود (عج)، ۱۳۹۵.
مشخصات ظاهری	: ۹۶ ص:؛ ۵/۱۴ × ۵/۲۱ س.م.
شابک	: ۹۷۸-۶۰۰-۷۱۲۰-۷۷-۴
وضعیت فهرست نویسی	: فیپا
موضوع	: مهدویت
موضوع	: محمدین حسن (عج)، امام دوازدهم، ۲۵۵ق -
موضوع	: حسن بن علی (ع)، امام یازدهم، ۳۳۲ - ۲۶۰ق.
موضوع	: Mahdism
رده بندی کنگره	: ۱۳۹۵BP۲۲۴ ۹۴ن/
رده بندی دیویی	: ۴۶۲/۲۹۷
شماره کتابشناسی ملی	: ۴۴۹۲۰۹۰

نهم ربیع بیعتی دوباره با امام زمان



بنیاد نشر بیعتی
انتشارات

- تهیه کننده: دفتر مجله امان
- ناشر: انتشارات بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود
- طراح جلد و صفحه آرا: مسعود سلیمانی
- نوبت چاپ: اول/ پاییز ۱۳۹۵
- شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۷۱۲۰-۷۷-۴
- شمارگان: هزار نسخه
- قیمت: ۴۰۰۰ تومان

تمامی حقوق © محفوظ است.

- قم: خیابان شهدا/ کوچه آمار (۲۲)/ بن بست شهید علیان/ پ: ۲۶/ تلفن: ۱/ ۳۷۸۴۱۱۳۰-۳۷۸۴۱۱۳۰-۲۵/ نمابر: ۳۷۷۴۴۲۷۳-۰۲۵
- تهران: خیابان انقلاب/ خیابان قدس/ خیابان ایتالیا/ پ: ۹۸/ تلفن: ۸۹۹۸۶۰۰-۸۹۹۸۶۰۰/ نمابر: ۸۹۷۷۴۳۸۱-۰۲۱
- www.mahdaviat.ir
- info@mahdaviat.ir
- Entesharatbonyad@chmail.ir

فهرست مطالب:

۹	بخش اول. مقالات.....
۱۰	بیعت شناسی
۱۳	عهد محبت، بیعت و اطاعت
۲۷	بیعت با امام موعودϕ.....
۳۲	امامتِ کودک!.....
۳۵	امامت و خردسالی
۴۲	زمینه سازی امام حسن عسگری ϕ برای غیبت امام زمانϕ.....
۵۰	روزی مهم، اما بینام
۵۳	بخش دوم. مصاحبه ها.....
۵۴	نهم ربیع، جشن و بیعت؛ چرا و چگونه؟!
۶۰	بازگشت به احیای جشن امامت امام زمانϕ
۶۵	اهمیت نهم ربیع.....
۷۰	پیشنهادهایی برای نهم ربیع.....
۷۹	بخش سوم. نوشته های ادبی.....
۸۰	میثاقی دوباره
۸۴	غروب اسارت (واپسین لحظات زندگی امام حسن عسگری <small>علیه السلام</small>)
۸۷	آخرین نشانه.....
۹۱	سلیل خاتون.....
۹۲	روزشمار ربیع؛ از شهادت تا بیعت.....

مقدمه

مهدویت، از یک نگاه تنها به مجموعه محدودی از معارف مربوط به امام زمان می شود که غالباً نیز در نزد مردم، تحت تأثیر جریان ظهور و علائم و نشانه های آن است. اما با بررسی دقیق تر و جامع تر مجموعه گزاره هایی که در متون اسلامی درباره آن وجود دارد می توان نگاه وسیعتری را به مقوله مهدویت لحاظ نمود. از این منظر مهدویت، مجموعه معارف حول محور امام مهدی است که با خود فرهنگ خاصی را نیز به همراه دارد.

در نگاه دوم، همه موضوعات اسلامی و مسائل فردی و اجتماعی به حوزه مهدویت وارد می شوند با این فرق که همه آنها تحت نظام خاصی که محور آن حضرت مهدی است ساماندهی و اولویت بندی شده، و به همین جهت هم از نظر جایگاه و هم از نظر معرفی، باز تعریف خواهند شد. مضافاً بر آنکه هر یک از آنها از کارکردهای ویژه ای بهره مند می شوند که در غیر نظام مهدوی چنین کارکردی یا مترتب نمیشود و یا اندک خواهد بود.

ما معتقدیم که نگاه کامل به مهدویت همین نگاه دوم است چرا که در تفکر قرآنی شیعه، امامت کامل کننده دین و تمام کننده نعمت دین است و به فرموده حضرت امام رضا در حدیث بلند و مشهور معرفی امام در کتاب شریف کافی: «امامت زمام دین و مایه نظام مسلمین و صلاح دنیا و عزت مؤمنین است. همانا امامت ریشه با نمو اسلام و شاخه بلند آن است».

بر همین اساس نشریه دو ماهنامه امان - که وابسته به بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود Φ و تحت اشراف حجت الاسلام و المسلمین قرائتی و برخی دیگر از فضلا و فعالان بنام فرهنگی کشور است - از سال ۱۳۸۵ اقدام به انتشار فرهنگ و معارف مهدوی در بین دوستداران و منتظران امام زمان در سطح کشور

نموده است.

از آنجا که پس از گذشت بیش از یک دهه از فعالیت این نشریه و درج موضوعات متنوع در آن؛ از طرفی تمایل زیادی از خوانندگان و محققان معارف مهدوی در باره موضوعات خاص زیاد شده و از سویی دیگر تمام این نشریه در اختیار آنها قرار ندارد، دفتر نشریه اقدام به تدوین مجموعه ای از موضوعات مهدوی و پرترفدار نشریه نموده و در اختیار مشتاقان به معارف مهدوی قرار داده است.

دفتری که در پیش روی شماست یکی دیگر از جمله این موضوعات با نام: «**نهم ربیع؛ بیعتی دوباره با امام زمان**» است که به شما گرامیان تقدیم می شود؛ به امید آنکه مقبول پیشگاه خداوند متعال و خلیفه او در زمین، حضرت ولی عصر ﷑ واقع گردد.

برخود لازم می دانم از همه بزرگوارانی که در تهیه این اثر زحمت کشیده اند مخصوصاً حجج اسلام محمدصابر جعفری، محمدرضا فوادیان و برادر عزیز جناب آقای احمد مسعودیان تشکر نمایم.

حسن ملایی

سردبیر نشریه امان

بخش اول. مقالات

بیعت شناسی *

یکی از کارهای ویژه روز نهم ربیع الاول، بیعت کردن با حضرت مهدی ϕ است. واژه «بیعت» واژه‌ای عربی است از ریشه «بیع» به معنای خرید و فروش؛ اما بیعت کردن به معنای این است که دو طرف خرید و فروش، به نشانه تمام شدن معامله و تسلیم، کف دست راست خود را بر هم می‌زنند. وقتی شخصی با کسی بیعت می‌کند، به این وسیله، فرمانبرداری خود از آن شخص و سرسپردگی در برابر امر و سلطه او را نشان می‌دهد؛ همچنین حاضر می‌شود تا پای فدا کردن جان و مال و فرزند، در راه اطاعت او بایستد. قرائن نشان می‌دهد که بیعت از نوآوری‌های مسلمانان نیست؛ بلکه سنتی بوده که پیش از اسلام هم در میان عرب رواج داشت؛ به همین دلیل در آغاز اسلام - که طایفه «اوس و خزرج» در ایام حج از مدینه به مکه آمدند و با پیامبر اسلام ρ در عقبه بیعت کردند - برخورد آنها با مسئله بیعت، آشنا بود؛ بعد از آن نیز پیغمبر گرامی اسلام ρ در فرصت‌های مختلف با مسلمانان تجدید بیعت کرد؛ اما مگر اطاعت از پیامبر اسلام ρ و امامان معصوم β که از سوی خداوند منصوب می‌شوند

نیازمند بیعت گرفتن است که چنین امری متداول و عادی بوده است؟ جواب منفی است؛ یعنی اطاعت کردن نیازمند بیعت گرفتن نیست؛ بلکه واجب است همه مسلمانان فرمان‌های امام و پیشوای برگزیده خدا را بی چون و چرا اجرا کنند و حتی اگر بیعت هم نکرده باشند موظفند که مطیع باشند.

خب اگر چنین است، پس چرا پیامبر اسلام (p) از یاران خویش بیعت گرفت؟ پاسخ این است که: این بیعت‌ها یک نوع تأکید بر وفاداری بوده که در مواقع خاصی صورت می‌گرفته است؛ به خصوص برای مقابله با بحران‌ها و حوادث سخت از آن استفاده می‌شد تا در سایه آن، روح تازه‌ای در کالبد افراد دمیده شود. البته همین امر در هنگامه ظهور، در بیعت با حضرت مهدی (ع) هم خواهد بود، که جنبه تأکید بر وفاداری دارد. یکی از کارهای نخست حضرت مهدی (ع) در هنگام ظهور، بیعت گرفتن از یاران است. جالب است بدانیم که این بیعت در مسجدالحرام و بین رکن و مقام صورت می‌گیرد. همچنین در روایات فراوانی نقل شده که اولین بیعت‌کننده با حضرت مهدی (ع)، جبرئیل، فرشته مقرب الهی است؛ چنانکه امام باقر (ع) در ضمن روایتی می‌فرماید: «... پس نخستین کسی که با او بیعت کند، جبرئیل است؛ سپس آن ۳۱۳ نفر [بیعت می‌کنند]...».

اما آنچه از بیعت به ذهن می‌رسد آن است که باید امامی در جمع حاضر باشد تا ما بتوانیم با ایشان بیعت کنیم؛ ولی در این شرایطی که امام از نظرها غایب است، چطور بیعت معنا پیدا می‌کند؟ اگر در معنای بیعت دقت کنیم، در می‌یابیم که همین حالا هم بیعت با امام زمان معنا دارد؛ مگر نه این است که در بیعت باید بر وفاداری با شخص بیعت شونده تأکید کنیم و این پیام را به او بدهیم که مطیع امر شما هستیم و سعی می‌کنیم رضایت شما را تأمین کنیم؟ همه این موارد در این زمانه غیبت هم عملی است.

می‌توانیم بیعت کنیم که یکی از کارهای زشتان را ترک کنیم و یا یک کار

۱۲ □ نهم ربیع بیعتی دوباره با امام زمان ϕ

مثبتی را انجام دهیم و به همین شکل می‌توانیم درباره هزاران کار دیگر با امام زمان ϕ بیعت کنیم که در جهت آنها تلاش کنیم؛ پس بیاییم یکبار دیگر با امام زمان تجدید بیعت و اظهار وفاداری کنیم، باشد که از یاران واقعی ایشان باشیم و چه خوب است که این بیعت را همه ساله در روز نهم ربیع تجدید و این امر را به سنتی مستمر تبدیل کنیم.

عهد محبت، بیعت و اطاعت*

یوم الله نهم ربيع الاول، سالروز آغاز امامت قائم آل محمد، خاتم الاوصیاء، بقیت الله الاعظم ﷺ و روز تجدید میثاق با آن امام همام و اهداف و آرمان‌های بلند اوست.^۱

روزی که در امتداد غدیر و بلکه خود غدیری دیگر است.^۲ شایسته است عاشقان مهدوی و منتظران منجی بشریت، در هر کجا هستند به ویژه در کشورهای اسلامی و بالخصوص در این مرز و بوم که شیعه خانه امام زمان ﷺ است، با مراسمی ویژه به پاسداشت این روز بزرگ و عیدالله الاکبر همت گمارند.

باید در این روز با امام زمان خود، تجدید پیمان کرده و بر مفاد عهد و میثاق خود - که به آنها در روایات و دعاها به ویژه دعای عهد اشاره شده - مروری

*. استاد سید مسعود پورسید آقایی.

۱. هم چنان که جماعتی از ایرانیان (از قم و جبال) نخستین گروهی بودند که پس از شهادت امام عسکری (ع) در جستجوی امام زمان خود بر آمده و به محضرش بار یافتند و بدینسان بیعت خود را اعلام نمودند. (کمال‌الدین، باب ۴۳، ص ۴۷۶، ح ۲۶) و نیز پس از پیدایش خوارج، شیعیان علی (ع) با آن حضرت بیعتی دوباره کردند. (تاریخ طبری، ج ۴، ص ۳۲۶).
۲. بحارالانوار، ج ۹۵، ص ۳۵۴.

۱۴ □ نیم ربیع بیعتی دوباره با امام زمان ﷺ

دوباره داشته باشیم و به بازشناسی و بازخوانی حقوق و تعهداتی که نسبت به آن امام نور و گنجینه عهد الهی و امید همه مستضعفان عالم بر عهده داریم، بپردازیم که؛

همانا عهد در نزد خداوند، پذیرش ولایت امیرالمؤمنین ﷺ و امامان بعد از اوست.^۱

روایتی دیگر چنین می‌فرماید:

ما همان پیمان و عهد خداییم، هر کس به عهد ما وفا کند، به عهد الهی وفا کرده است و هر کس با ما پیمان بشکند، با خداوند پیمان شکسته است.^۲

در این جا به برخی عهدها و پیمان‌های خود نسبت به امام زمان ﷺ همچنین به زمینه‌ها و ریشه‌های آن (معرفت و محبت) و جایگاه و پی‌آمدهای آن (تبعیت و اطاعت) اشاره‌ای کوتاه خواهیم داشت و به ترتیب از معرفت، محبت، ولایت، عهد و اطاعت، گفت‌وگو خواهیم کرد، شاید بتوانیم با استعانت از ذات ربوبی^۳ به انجام آن‌ها موفق شویم.

۱. معرفت امام

شناخت امام، درک اضطرار به او و آگاهی به حق ولایت اوست؛ «عارفاً بحقه»^۴؛ زیرا امام از ما به ما و مصالحمان آگاه‌تر و نسبت به ما از خود ما مهربان‌تر است؛ چرا که آگاهی او شهودی و وجودی است و محبت او غریزی و

۱. تفسیر نورالثقلین، ج ۳، ص ۳۶۲.

۲. کافی، ج ۱، ص ۲۲۱.

۳. «و اعنا علی تأدیه حقوقه الیه»؛ (مفاتیح الجنان، دعای ندبه).

۴. وسائل الشیعه، ج ۱۰، صص ۲۹۳ و ۲۹۴ و ۳۱۸ و ۳۱۹.

محدود نیست، بلکه ربوبی و محیط است. امام از همه کشش‌های نفسانی آزاد است. او به راه‌های آسمان آگاه‌تر از راه‌های زمین است. تلفیق این آگاهی و آزادی می‌شود عصمت و همین زیربنا و رمز پذیرش ولایت و سرپرستی آن‌ها و تسلیم در برابر آن‌هاست.

مردم به سه تکلیف مکلفند: معرفت امامان، تسلیم در برابر ایشان و واگذاری امور به ایشان در اموری که اختلاف پیش می‌آید.^۱

ناآگاهی از حق ولایت امام و جهل در تشخیص و مصداق این چنین امامی آثار زیانباری همچون چشم‌پوشی از همه دستاوردهای وحی، مرگ جاهلی، گمراهی و هلاکت و... را در پی دارد:

کسی که در چهار چیز شک کند، به همه آن چه که خداوند آن را نازل فرموده کافر شده است؛ یکی از آن‌ها شناختن امام در هر عصر و زمان است که شخص امام را با صفاتی که داراست، بشناسد.^۲

کسی که بمیرد و امام زمان خود را نشناسد به مرگ جاهلیت مرده است.^۳

بارالها! حجت خود را به من بشناسان و گرنه از دین خود گمراه خواهم شد.^۴

سلام بر تو ای راه خدا! که هر کس غیر آن را رود، هلاک می‌شود.^۵

کسانی که اضطرار به ولی را این گونه احساس کرده‌اند، می‌توانند به محبت و ولایت و اطاعت امام برسند و از تقدم و تأخر نجات یابند، که: «المتقدم لهم

۱. وسائل الشیعه^۱، ج ۱۸، ص ۴۵. به نقل از امام باقر(ع).

۲. بحارالانوار، ج ۷۲، ص ۱۳۵.

۳. همان، ج ۲۳، ص ۳۰۰.

۴. همان، ج ۵۲، ص ۱۴۶.

۵. مفاتیح الجنان، دعای حضرت صاحب الامر(ع) و این یعنی امام نه یک راه که تنها راه است.

مارق والمتأخر عنهم زاهق»^۱، «فمعکم معکم لامع غیرکم»^۲ و از جان و مال خود در راه این حق عظیم و پیمان الهی بگذرند و هستی خود را فدای امام کنند: «الذین بذلوا مهجهم دون الحسین (p)»^۳.

۲. محبت

محبت، ادامه معرفت است.^۴ با درک اضطرار به امام و آگاهی از حق ولایت او، محبت امام در دل می‌نشیند و عشق به او که عشق به همه خوبی‌ها و زیبایی‌هاست در قلب آدمی ریشه می‌گستراند. بدون این معرفت، عشق را دوامی نیست.

آن چه که می‌تواند بر این محبت بیفزاید، درک این نکته است که این محبت یک طرفه نیست، بلکه دو سویه و طرفینی است. این‌گونه نیست که فقط من امام را دوست داشته باشم، بلکه او هم به من محبت دارد و حتی از من به من مهربان‌تر است؛ چون همان‌طور که اشاره شد، علاقه من به خودم غریزی است، ولی علاقه امام به من غریزی و محدود نیست که ربوبی و محیط است و بر اساس سعه وجودی او و برخاسته از معرفت شهودی و وجودی اوست. همین است که امام صادق (p) می‌فرماید: به خدا سوگند! که من نسبت به شما از خود شما مهربان‌ترم.^۵

آن‌ها در شادی ما شاد و در اندوه ما اندوهناکند.^۶

۱. مصباح‌المتجهد، ص ۳۶۱.

۲. مفاتیح‌الجنان، زیارت جامعه.

۳. همان، زیارت عاشورا.

۴. «الحبُّ فرعُ المعرفة»؛ (مستدرک‌الوسائل، ج ۱۲، ص ۱۶۸).

۵. بحارالانوار، ج ۴۷، ص ۷۸.

۶. همان، ج ۵۳، ص ۳۰۲.

سید بن طاووس نقل می‌کند: سحرگاهی در سرداب مقدس بودم، ناگاه صدای مولایم را شنیدم که برای شیعیان خود چنین دعا می‌کرد:

بارالها! شیعیان ما از شعاع نور ما و باقی‌مانده سرشت ما خلق شده‌اند. آن‌ها گناهان زیادی با اتکای بر محبت به ما و ولایت ما انجام داده‌اند. اگر گناهان آن‌ها گناهی است که در ارتباط با توست، از آن‌ها بگذر که ما راضی شدیم و آنچه از گناهان آن‌ها در ارتباط با خودشان هست، خودت بین آن‌ها را اصلاح کن و از خمسی که حق ماست به آن‌ها بده تا راضی شوند و آن‌ها را داخل بهشت بگردان و از آتش جهنم نجات بده و با دشمنان ما در غضب خود جمع مفرما.^۱

باری! بارقه چنین عشقی است که انسان را به طلب و دعا و انس و نجوای با امام می‌خواند و به تولی و تبری می‌کشاند و او را می‌دارد که داعی باشد و دیگران را به امام دعوت کند و در این راه استقامت داشته و از هیچ نهراسد.

۳. ولایت

با معرفت و محبت امام به ولایت و سرپرستی او می‌رسیم. ولایت نه به معنای محبت که به معنای سرپرستی و تولیت در امور و امامت و پیشوایی است، یعنی سرپرستی و حاکمیت امام بر فرد و جامعه؛ بر فکر و احساس و عمل فرد و خانه و مدرسه و جای جای زندگی و متن جامعه.

این ولایت است که رکن رکین، اساس دین، کلید و گشایش‌گر و راهنمای همه ابعاد دین است و آن قدر که به آن، دعوت و سفارش شده به هیچ یک از دیگر ابعاد و ارکان دین دعوت نشده است.^۲

این ولایت است که اگر کسی تمام شب‌ها به نماز بایستد، همه روزها روزه

۱. نجم‌الناقب، ص ۴۵۵.

۲. اصول کافی، ج ۲، ص ۱۸.

۱۸ □ نیم ربیع بیعتی دوباره با امام زمان (عج)

باشد، همه اموالش را صدقه بدهد و همه عمر حج بگذارد، اما ولی زمان خود را نشناسد و اعمالش را به سرپرستی و ولایت او انجام ندهد، از اعمالش هیچ بهره‌ای نمی‌برد و از اهل ایمان نخواهد بود.^۱

باید تنها ولایت و سرپرستی او را پذیرفت و از او خط گرفت:

ای مولای من! راضی و خوشنودم به پیشوایی و هدایت و سرپرستی و راهبری تو و به جای تو احدی را نمی‌خواهم و جز تو کسی را ولی و سرپرست خود نخواهم گرفت.^۲

البته این معنای از ولایت، نه نفی و مسخ انسان است و نه با هویت و انسانیت او در تعارض که با انتخاب انسان همراه است، زیرا به آگاهی بیش‌تر و به رحمت واسع حق و محبت و عنایت او دست یافته است. به راستی کسانی که هوس‌ها و رؤیاهای خود را حاکم کرده‌اند و از پشتوانه‌های معرفت و محبت برخوردار نیستند و یا در کوره بلا و امتحان آبدیده نشده‌اند، تحمل ولایت و حاکمیت امام را ندارند.

۴. عهد

معرفت امام و محبت و ولایت او، زمینه‌ساز عهد و پیمان و بیعت با امام می‌شود، زیرا عشق و ولایت بدون عهده‌داری و مسئولیت‌پذیری، هوسی بیش نیست؛ که «عشق آسان نمود اول، ولی افتاد مشکل‌ها».

عهد، التزام خاص و نوعی تعهدپذیری در مقابل شخص یا کاری است.^۳ باید خود را به وظایفی که نسبت به امام داریم، ملتزم سازیم و با او برای انجام خواسته‌ها و آرمان‌هایش عهد ببندیم (عهداً) و آن عهد را با اسباب و وسایلی

۱. وسائل الشیعه، ج ۱۸، ص ۴۴.

۲. مفاتیح الجنان، زیارت حضرت صاحب الامر (عج).

۳. التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، ج ۸، ص ۲۴۶، ذیل ماده عهد.

محکم کنیم (عقداً) و در نهایت با او بیعت کرده و دست در دست او نهاده و دل و سر به او بسپاریم (بیعه).^۱

عهد و عقد و بیعت سه مرتبه از یک حقیقتند که در شدت و ضعف با یکدیگر تفاوت دارند. باید با بازخوانی و تجدید عهد در هر پگاه و بیعتی تا همیشه، هم‌اراده و انگیزه خود را قوی کرد و افزایش داد و هم از غفلت‌ها و سستی‌ها جدا شد و فاصله گرفت.

پیامبر α و امیرمؤمنان ϕ در بحران‌ها و مواقع حساس با یاران خود تجدید عهد کرده و از آنان بیعتی دوباره می‌گرفتند، امام مهدی ϕ نیز در عصر ظهور به خاطر شرایط سختی که یارانش پیش رو دارند از آن‌ها چنین بیعت می‌گیرد:

...مسلمانی را دشنام ندهند... حریمی را هتک نکنند، به خانه‌ای هجوم نبرند، کسی را به ناحق نزنند، طلا و نقره و گندم و جو انباشت نکنند، مال یتیمان را نخورند... لباس خز و حریر (لباس‌های فاخر و اشرافی) نپوشند... در زندگی به اندک بسنده کنند... امر به معروف و نهی از منکر کنند و در راه خدا به شایستگی جهاد نمایند.^۲

گفتنی است، کسانی می‌توانند در عصر ظهور به این عهدها عمل کنند که در عصر غیبت به عهد و پیمان‌های خود با امام ϕ - این گنجینه عهد الهی و خزانه و جایگاه پیمانی که خداوند بر عهده‌بندگانش نهاده است - عمل کرده باشند. اهمیت این پیمان‌ها در عصر غیبت تا آن جا است که در روایتی از حضرت سجّاد ϕ ، همانا تنها راه نجات از فتنه‌ها شمرده شده است:

ای اباخالد! فتنه‌هایی چون شب تار فرا خواهد رسید. تنها کسانی از آن فتنه‌ها نجات خواهند یافت که خداوند از آنان پیمان گرفته باشد. آنان چراغ‌های هدایت و

۱. مفاتیح الجنان، دعای عهد.

۲. منتخب الاثر، ص ۵۸۱.

چشمه‌های علم هستند و خداوند آن‌ها را از هر فتنه تاریکی نجات خواهد داد.^۱

عهدنامه

افزایش و تحکیم معرفت و محبت بیش‌تر و عمیق‌تر نسبت به امام (ع):

«اعرف امامک، فأنک اذا عرفت لم یضرک تقدّم هذا الامر او تأخر».^۲

بازکاووی و شناسایی وظایف و تکالیف خود نسبت به حضرت و عهد و پیمان بر

انجام آن‌ها.

یاد حضرت و حضور در مجالس و مکان‌های منتسب به آن حضرت و توسل به

او.

دعا برای فرج حضرت: «اکثروا الدعاء بتعجیل الفرج فان ذلک فرجکم».^۳

و چون عذاب بر بنی اسرائیل شدّت گرفت و طولانی شد، آنان چهل روز، ضجّه

زدند و ناله کردند. اشک‌ها ریختند و به درگاه خدا تضرّع کردند، تا آن که خداوند،

موسی و هارون را برای خلاصی و نجات آنان فرستاد و آنان را از چنگال فرعون

رهانید. این، در حالی بود که خداوند، به مدّت صد و هفتاد سال، به آنان تخفیف

داده بود. اگر شما هم این گونه به درگاه خدا ضجّه و ناله کنید و همانند آنان در

این امر جدی و کوشا باشید، هر آینه خداوند، برای ما، فرج و گشایش خواهد داد و

اگر این گونه نباشید، همانا، (امر) و مسأله فرج و حکومت آل محمد (ع)، به سر حدّ

نهایت خود، به تأخیر خواهد افتاد، تا آن جا که خداوند مصلحت بداند و مشیّت او

تعلّق گیرد.^۴

۱. منتخب الاثر، ص ۳۸۶.

۲. کافی، ج ۱، ص ۳۷۱.

۳. احتجاج طبرسی، ج ۲، ص ۴۶۹.

۴. بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۱۳۱ - ۱۳۲.

تنها ولایت و سرپرستی او را پذیرفتن و دل و سر به او سپردن:
«هیچ جایگزین و سرپرستی غیر تو نمی‌جویم و نمی‌خواهم».^۱
او تنها سرپرست و مولای بی‌جایگزین است. باید نه دل که سر به او سپرد؛ که
مقام امینی جز او نیست.^۲
دعوت به آن حضرت و تبلیغ و ترویج فرهنگ مهدویت و انتظار با بیان و قلم و
هنر:

با توجه به اهمیت مهدویت و روایات فراوانی که در این باره داریم و نیز روایات
«احیای امر»^۳ ضرورت تبلیغ و ترویج فرهنگ مهدویت کاملاً آشکار است.
روشن است که در انجام این پیمان، وظیفه سنگینی بر دوش افراد و دولت و
نهادها به ویژه حوزه‌ها، دانشگاه‌ها، مطبوعات، هنرمندان و صدا و سیما است.

دوری از گناهان و آراستگی به اخلاق نیکو:
کسی که دوست دارد از یاران قائم باشد، باید منتظر ظهور باشد و در همان حال
از گناهان دوری کند و به اخلاق نیکو آراسته باشد.^۴
پس باید هر یک از شما کارهایی را انجام دهد که وی را به محبت و دوستی ما
نزدیک می‌نماید و از آن چه موجب ناراحتی و ناخرسندی ما می‌شود، دوری
گزیند.^۵

بذل جان و مال و هر آن‌چه که داریم در راه امام:
و آن عهد و پیمان من با توست... پس جان و مال و فرزندان و خویشان و هر

۱. مفاتیح الجنان، زیارت حضرت صاحب الامر (ع).
۲. اشاره به زیارت امین الله.
۳. ر.ک: کافی، ج ۸، ص ۸۰ - ۸۱.
۴. غیبت نعمانی، ص ۲۰۰.
۵. احتجاج طبرسی، ج ۲، ص ۵۹۹. (نامه به شیخ مفید).

۲۲ □ نیم ربیع بیعتی دوباره با امام زمان (ع)

آن چه که پروردگارم به من داده به پیشگاهت و در راه تو و آرمان‌ها و فرامینت، تقدیم می‌کنم.^۱

انتظار

انتظار، آماده باش و تحصیل آمادگی‌های لازم برای رسیدن به اهداف و خواسته‌های مورد نظر است. انتظار، تنها یک حالت روحی نیست، بلکه با توجه به روایاتی که آن را «افضل الاعمال» و یا «احب الاعمال» می‌داند، یک حالت روحی جریان یافته و شکل گرفته‌ای است که از معرفت برخاسته و به اقدام و عمل می‌انجامد که بدون این جزء اخیر حقیقت آن تحقق نمی‌یابد. همین است که می‌گوییم: انتظار، آمادگی آدمی در سه بُعد شناخت، عاطفه و رفتار و تحوّل در سه حوزه وجودی او؛ بینش و گرایش و عمل است.

اقتدا

خوشا به حال کسی که قائم از اهل بیت مرا درک کند و قبل از قیامش به او اقتدا و تاسی نماید.^۲

امام (ع) الگو و مقتدای منتظران و سالکان است. باید مهدی زیست بود و از عدالت خواهی و بسط و گسترش آن گرفته تا خوراک و پوشاک و سلوک فردی و اجتماعی و جای جای زندگی به او تاسی کرد.

زمینه‌سازی برای ظهور

گروهی از مشرق به پا می‌خیزند و زمینه‌ساز حکومت مهدی (ع) می‌شوند.^۳

۱. مفاتیح، زیارت حضرت صاحب الامر (ع).

۲. بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۱۳۰.

۳. منتخب الاثر، ص ۳۷۵.

یاری و دفاع از حضرت

در فرازی از دعای عهد چنین آمده است:

«اللهم اجعلنی من انصاره» نصرت و یاری او؛

«واعوانه» اعانت و یآوری او؛

«والذابین عنه» دفاع و حمایت از او؛

«والمسارعین الیه فی قضاء حوائجهم» شتاب به سوی او در برآوردن حاجاتش؛

«والممثلین لاوامره» اطاعت از فرامین و دستورهایش؛

«والمحامین عنه» حمایت بی دریغ از او؛

«والمسابقین الی ارادته» پیشی گرفتن به خواست و اراده‌اش؛

«والمستشهدین بین یدیه» شهادت در پیشگاه و حضور نازنینش.

پیروی از ولی فقیه

در رخدادهای تازه، به راویان حدیث ما (فقهها) رجوع کنید که ایشان حجت من بر شما و من حجت خدا بر شما هستیم.^۱

این‌ها و جز این‌ها برخی از عهدهایی است که ما با امام خود داریم؛ عهدهایی که با انجام آن‌ها امید است چشم ما به جمالش روشن شود و شاهد ظهور موفورالسرورش باشیم، که حضرتش در نامه به شیخ مفید فرموده است:

اگر شیعیان ما - که خداوند آن‌ها را به طاعت و بندگی خویش موفق بدارد - در وفای عهد و پیمانی که بر عهده دارند، همدل و متحد می‌شدند، سعادت دیدار ما به تأخیر نمی‌افتاد و این توفیق زودتر نصیب آنان می‌شد.^۲
در پایان، این هشدار قرآن و پیامبر α را نیز از یاد نبریم:

۱. از توقیعات امام زمان (عجبت طوسی، ص ۲۹۱).

۲. طبرسی، احتجاج، ج ۲، ص ۴۹۸.

فبما نقضهم ميثاقهم لعناهم و جعلنا قلوبهم قاسية^۱
به واسطه نقض پیمانشان آنها را دور نمودیم و قلبهایشان شقاوت گرفت.
اذا نقضوا العهد سلط الله عليهم عدوهم.^۲
هرگاه مردم عهدشکنی کنند، خداوند دشمنانشان را بر آنان مسلط گرداند.

۵. اطاعت

با معرفت و محبت و ولایت امام، به عهد و پیمان با او و آن گاه تبعیت و اطاعت او می‌رسیم. عهد و اطاعت، تجلی و نمود عشق و محبت است. هر چه عاشق‌تر، متعهدتر و مطیع‌تر.
امام باقر (ع) به جابر می‌فرماید: «به خدا قسم! تنها با عمل است که می‌توان به ولایت ما رسید».

در روایت دیگری از حضرتش سؤال شد: حق امام بر مردم چیست؟
حضرت فرمود: حق امام بر مردم این است که سخنش را بشنوند و اطاعت کنند.^۳

امام صادق (ع) نیز می‌فرماید:

جماعتی گمان می‌کنند که من امام و پیشوای آنانم؛ در حالی که به خدا سوگند، من هرگز امام آنان نیستم. خدا آنان را لعنت کند؛ آن چه من آن را مخفی کردم، افشا کردند. [درست نقطه مخالف اعمال مرا انجام می‌دهند]. من می‌گویم چه و چه، آن‌ها می‌گویند: مقصود این و این است. [گفته‌های مرا مطابق میل و هوای نفس خود تفسیر

۱. مائده (۵)، ۱۳.

۲. بحارالانوار، ج ۱۰۰، ص ۴۶.

۳. کافی، ج ۱، ص ۴۰۵.

می‌کنند. [من فقط امام و رهبر آن کسی هستم که از من اطاعت و تبعیت کند.^۱

همین است که در روایتی «حیّ علی خیرالعمل» به ولایت اهل بیت تفسیر شده است؛^۲ چون این چنین ولایتی به عمل منجر می‌شود و آن هم بهترین عمل. همین اطاعت و عمل است که رمز فرج و گشایش کارها، ظهور همه زیبایی‌ها و خوبی‌ها، عامل نصرت خدا و بهره‌مندی از همه مواهب و عنایات الهی، شرط محبوبیت در نزد خدا، دریافت امدادهای غیبی و دستیابی به بهشت لقا و حضور اوست.

اطاعت امام؛ یعنی به عهد و پیمان‌ها عمل کردن؛ یعنی بازخوانی و مرور مستمر و همیشگی میثاق‌ها و مراقبت مدام بر انجام آن‌ها. اطاعت امام؛ یعنی خود را وقف امام و خواسته‌های او کردن «رحم الله عبداً حبس نفسه علینا» و همیشه و همه جا، یاور و مدافع حریم ولایت بودن و در جهت تحقق خواست‌ها و آرمان‌های او که همان خواسته‌های خداست، گام برداشتن.

اطاعت امام؛ یعنی زمینه ظهور او را فراهم ساختن. اطاعت امام؛ یعنی بسط عدالت و فرهنگ عدل‌پذیری در جامعه و نهادینه کردن آن.

اطاعت امام؛ یعنی تلاش در جهت اصلاح خود و جامعه. اطاعت امام؛ یعنی حاکمیت ولایت معصوم در فکر و اندیشه، عاطفه و احساس، اقدام و عمل.

اطاعت امام؛ یعنی جلوه خواست امام در جای جای زندگی از خانه و مدرسه

۱. بحارالانوار، ج ۲، ص ۸۰.

۲. همان، ج ۵۲، ص ۱۲۶.

گرفته تا کوچه و بازار.

اطاعت امام؛ یعنی برنامه ریزی راهبردی نظام در جهت انتظار و اهداف امام و قرار گرفتن همه نهادها در همین راستا از حوزه و دانشگاه گرفته تا آموزش و پرورش و ارشاد و سازمان تبلیغات و صدا و سیما و... .

اطاعت امام؛ یعنی بسیج همه امکانات و به‌کارگیری تمام توان جامعه برای ایجاد شور و رغبت اجتماعی به ظهور و دولت کریمه و زمینه سازی آن؛

اللهم انا نرغب اليك في دولة كريمه تعزبها الاسلام و اهله و تذل بها النفاق و اهله و تجعلنا فيها من الدعاه الي طاعتك والقاده الي سبيلك و ترزقنا بها كرامه الدنيا والاخره.

اللهم انا نشكو اليك فقد نبينا صلواتك عليه و آله و غيبه و كينا و كثره عدونا و قلّه عددنا و شده الفتن بنا و تظاهر الزمان علينا.^۱

۱. مفاتیح الجنان، دعای افتتاح.

بیعت با امام موعود^{*}

روز نهم ربیع‌الاول، سالروز شروع امامت منجی عالم بشریت، موعود انبیا، پایان بخش طومار حاکمیت طاغوت و برقرار کننده حکومت عدل الهی در سرتاسر زمین است. از این رو مناسب است که در این زمینه، چند کلمه‌ای با هم به گفتگو بنشینیم.

۱. خداوند برای انسان، هدفی متعالی و بلندمرتبه در نظر گرفته است. رسیدن به این هدف والا - که همان مقام قرب الهی است - فقط در مسیر عبودیت و بندگی خدا ممکن پذیر می‌باشد: II یا ایتها النَّفْسُ الْمُطْمَئِنَّةُ * ارْجِعِي إِلَىٰ رَبِّكِ رَاضِيَةً مَّرْضِيَّةً * فَادْخُلِي فِي عِبَادِي * وَادْخُلِي جَنَّاتِي O.^۱
۲. انسان برای رسیدن به این مقام بلند و هدف برتر، نیازمند راهنمایی و راهبری حجت‌های الهی است. از این رو، خداوند، پیشوایان آسمانی را برای دستگیری مردم در این مسیر فرستاد تا هم هدف را به آنان یادآور شوند و هم راه را در قالب شریعت و دین برای آنان معرفی و تبیین کنند. پیامبران؛ هدف را برای مردم بیان کردند: II وَ لَقَدْ بَعَثْنَا فِي كُلِّ أُمَّةٍ رَسُولًا أَنِ اعْبُدُوا اللَّهَ وَ اجْتَنِبُوا

*. مهدی یوسفیان.

۱. فجر (۸۹)، ۲۷-۳۰.

الطَّاعُونَ؛ ما در هر امتی، رسولی برانگیختیم که خدای یکتا را بپرستید و از طاعت اجتناب کنید^۱.

آنان وظیفه داشتند علاوه بر معرفی راه و هدف، آن را برای مردم، به روشنی تبیین و تفسیر کنند: Π کَمَا أَرْسَلْنَا فِيكُمْ رَسُولًا مِنْكُمْ يَتْلُوا عَلَيْكُمْ آيَاتِنَا وَيُزَكِّكُمْ وَيُعَلِّمُكُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَيُعَلِّمُكُم مَّا لَمْ تَكُونُوا تَعْلَمُونَ؛ همان گونه (که با تغییر قبله، نعمت خود را بر شما کامل کردیم) رسولی از خودتان در میان شما فرستادیم؛ تا آیات ما را بر شما بخواند و شما را پاک کند و به شما، کتاب و حکمت بیاموزد و آنچه را نمی دانستید، به شما یاد دهد^۲. و به آنان بگویند که سرانجام خوش و نیک فقط در سایه اطاعت از خدا و رسول، امکان دارد: Π و مَنْ يُطِعِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ يُدْخِلْهُ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ وَ مَنْ يَتَوَلَّ يَعدِيهِ عَذَابًا أَلِيمًا^۳.

۳. آخرین پیام آور آسمانی، حضرت محمد ﷺ از طرف خداوند، مبعوث به رسالت شد: Π ما كَانَ مُحَمَّدٌ أَبَا أَحَدٍ مِنْ رِجَالِكُمْ وَلَكِنْ رَسُولَ اللَّهِ وَ خَاتَمَ النَّبِيِّينَ وَ كَانَ اللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمًا^۴؛ و خداوند با او قرآن را نازل کرد تا راهنمای همه مردم جهان باشد: Π تَبَارَكَ الَّذِي نَزَّلَ الْفُرْقَانَ عَلَى عَبْدِهِ لِيَكُونَ لِلْعَالَمِينَ نَذِيرًا^۵؛ و آن را معجزه جاوید او قرار داد: Π لَّا يَأْتِيهِ الْبَاطِلُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَ لَّا مِنْ خَلْفِهِ تَنْزِيلٌ مِّنْ حَكِيمٍ حَمِيدٍ^۶.

۱. نحل (۱۶)، ۳۶.

۲. بقره (۲)، ۱۵۱.

۳. فتح (۴۸)، ۱۷.

۴. احزاب (۳۳)، ۴۰.

۵. فرقان (۲۵)، ۱.

۶. فصلت (۴۱)، ۴۲.

۴. از تعبیر قرآنی استفاده می‌شود عهد امامت، غیر از مقام نبوت و بالاتر از آن بوده و به برخی از انبیا عنایت شده است: II و إِذِ ابْتَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ رَبُّهُ بِكَلِمَاتٍ فَأَتَمَّهُنَّ قَالَ إِنِّي جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ إِمَامًا قَالَ وَمِنْ ذُرِّيَّتِي قَالَ لَئِن نَّالَ عَهْدِي الظَّالِمِينَ؛ (به خاطر آورید) هنگامی که خداوند، ابراهیم A را با وسایل گوناگونی آزمود و او به خوبی از عهده این آزمایش‌ها برآمد، خداوند به او فرمود: من تو را امام و پیشوای مردم قرار دادم. ابراهیم A عرض کرد: از دودمان من (نیز امامانی قرار بده). خداوند فرمود: پیمان من، به ستمکاران نمی‌رسد (و تنها آن دسته از فرزندان تو که پاک و معصوم باشند، شایسته این مقامند) O.

۵. مقام نبوت و رسالت، مقام ابلاغ وحی و معرفی راه سعادت است. انبیا و رسولان الهی فقط وظیفه داشتند تا مسیر بندگی را در قالب دین، برای مردم تبیین کنند؛ خواه مردم آن را بپذیرند و به کار ببندند، و یا رد کنند و به مخالفت بپردازند: II قُلْ أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ فَإِنْ تَوَلَّوْا فَإِنَّمَا عَلَيْهِ مَا حُمِّلَ وَعَلَيْكُمْ مَا حُمِّلْتُمْ وَإِنْ تُطِيعُوهُ تَهْتَدُوا وَمَا عَلَى الرَّسُولِ إِلَّا الْبَلَاغُ الْمُبِينُ؛ بگو: خدا را اطاعت کنید و از پیامبرش فرمان برید و اگر سرپیچی نمایید، پیامبر، مسئول اعمال خویش است و شما مسئول اعمال خود! اما اگر از او اطاعت کنید، هدایت خواهید شد؛ و بر پیامبر، چیزی جز رساندن آشکار (پیام الهی) نیست O.

اما مقام امامت، مقام رهبری و راهبری و اجرای دین در زندگی مردم است؛ و این، زمانی امکان دارد که مردم، امامت و رهبری امام را بخواهند و با پذیرش حاکمیت و سرپرستی او، راه را برای برقراری امامت حجت آسمانی هموار کنند.

بنابراین، مردم در بعثت انبیا و ارسال رسولان و ابلاغ وحی، نقشی ندارند، یعنی شرط آمدن پیامبر و بیان پیام الهی، خواست و پذیرش مردم نیست؛ ولی برای

۳۰ □ نهم ربیع بیعتی دوباره با امام زمان Φ

تحقق رهبری حجت خدا و امامت در جامعه - که بخشی از وظایف امام است - مردم، نقش تعیین کننده دارند؛ یعنی اگر مردم نخواهند، امام نمی تواند در جامعه نقش حکومتی خود را ایفا کند.

۶. همراهی و یاری امام و پذیرش مردمی، به دو شرط اساسی وابسته است:
الف) شناخت امام هم به صورت معرفت شخص امام و هم معرفت نسبت به شخصیت و مقام و منزلت او در جهان هستی و نزد خدا؛

ب) بیعت با امام و زمینه سازی برای حضور ایشان، یعنی تعهد به این که او را یاری کنند، اوامرش را انجام دهند و برای هرگونه فداکاری در راه امام و اوامر او آماده باشند.

نگاهی گذرا به تاریخ صدر اسلام به روشنی نقش مردم را در برقراری رهبری جامعه توسط امام، نشان می دهد. عده زیادی از مردم مدینه، با آگاهی از دین اسلام، به آن گرویدند. سپس گروهی از آنان در مراسم حج شرکت کرده و در «عقبه منی» با پیامبر بیعت کرده و مراتب یاری خود را از پیامبر و فداکاری در راه او اعلام کردند. پس از آنکه آمادگی شهر مدینه را برای حضور پیامبر، به ایشان، خبر دادند، مردم مدینه با شنیدن خبر هجرت ایشان، خود را برای استقبال از آن بزرگوار آماده نمودند.

با رحلت پیامبر و کوتاهی مردم، رهبری حکومت از امام علی A گرفته شد و ایشان، ۲۵ سال خانه نشین شدند. امام حسن A نیز مجبور به صلح با معاویه شد و امام حسین A در کربلا همراه یاران باوفایش به شهادت رسید. سایر امامان بزرگوار β نیز تحت شدیدترین فشارهای حکومت ظالم و فاسد بنی امیه و بنی عباس قرار گرفتند تا در نهایت، غیبت آخرین حجت الهی اتفاق افتاد و امام مهدی Φ از دیده ها پنهان شد.

اکنون که با جایگاه مردم در برقراری حکومت آشنا شدیم، مناسب است با دقت

بیشتری به فرازهایی از دعای «عهد»^۱ توجه کنیم:

«اللَّهُمَّ إِنِّي أُجَدِّدُ لَهُ فِي صَبِيحَةِ يَوْمِي هَذَا وَمَا عَشْتُ مِنْ أَيَّامِي عَهْدًا وَعَقْدًا وَيَبِيعَةً لَهُ فِي عُنُقِي لَا أَحُولُ عَنْهَا وَلَا أَزُولُ أَبَدًا؛ خدایاندا! من در صبح امروز و تا زمانی که زنده‌ام، عهد و پیمان خود را با امام خویش تجدید می‌کنم، و بیعت او را به گردن می‌گیرم و هیچ گاه آن را از نظر دور نمی‌دارم و از یاد نمی‌برم».

این بیعت لوازمی دارد که با انجام آنها، بیعت، معنا و مفهوم پیدا می‌کند:

«اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي مِنْ أَنْصَارِهِ وَأَعْوَانِهِ وَالذَّائِبِينَ عَنْهُ وَالْمُسَارِعِينَ إِلَيْهِ فِي قَضَاءِ حَوَائِجِهِ وَالْمَحَامِلِينَ عَنْهُ وَالسَّابِقِينَ إِلَيْهِ إِرَادَتِهِ وَالْمُسْتَشْهِدِينَ بَيْنَ يَدَيْهِ؛ خدایاندا! مرا از یاوران و مدافعین او و کسانی که سعی در انجام مقاصد او دارند و نیز از پشتیبان‌های وی و کسانی که در انجام اراده حضرتش سبقت گرفته‌اند و آنان که در رکابش شهید می‌شوند قرار ده».

با دقت در این فراز، با لوازم بیعت واقعی آشنا می‌شویم: یاری امام در تحقق اهدافش، دفاع از او و حریم و حرمتش، سرعت داشتن در برآوردن خواسته‌هایش، سبقت گرفتن از دیگران در امتثال خواسته‌اش، آمادگی هرگونه فداکاری تا مقام جانفشانی و نثار خون در برابرش.

روز نهم ربیع الاول که سالروز امامت حضرت مهدی ﷑ است، این نوید را دارد که آخرین حجت الهی و مصلح عالم بشریت، به مقام امامت رسیده است؛ و اگر ما آماده پذیرش و یاری امام باشیم، پرچم عدل الهی ایشان به اهتزاز در خواهد آمد و با ظهور آن بزرگوار، حکومت در اختیار صاحبش قرار گرفته و دوران سبز زندگی انسانی برای عموم انسانها تحقق می‌یابد.

۱. در مفاتیح الجنان از امام صادق A نقل شده است که هر کس آن را چهل صبح بخواند از یاران قائم ﷑ خواهد بود.

امامتِ کودک!*

یکی از امامانی که در کودکی به مقام امامت رسید، امام زمان Φ است. در پاسخ به این پرسش که آیا ممکن است که یک کودک امام شود، به قرآن کریم، مراجعه می‌کنیم.

امامت به سن و سال نیست

در قرآن آمده است: Π «وَآتَيْنَاهُ الْحُكْمَ صَبِيًّا»؛^۱ «و ما فرمان نبوت (و عقل کافی) را در کودکی به او (حضرت یحیی φ) دادیم! O. صبی یعنی کودک. چون امامت کیلویی نیست، متری نیست، سنی نیست، برقی است که از غیب وصل می‌شود؛ ممکن است این برق به لامپ کوچکی وصل شود، ممکن است به لامپ بزرگی وصل شود؛ اما این برق هر جا که وصل شد، نور می‌دهد و لذا لامپ کوچکی که به آن برق وصل شود نور دارد، اما لامپ بزرگی که به آن برق وصل نشود، نور ندارد. بنابراین امامت مربوط به سن و وزن و حجم نیست.

*. محسن قرائتی.

۱. مریم (۱۹)، ۱۲.

حتماً زمانی که سوار هواپیما می‌شوید، دیده‌اید که بعد از نشستن هواپیما یک ماشین کوچک جلو می‌رود و این هواپیمای بزرگ، عقب این ماشین کوچک حرکت می‌کند. یعنی یک ماشین کوچک می‌شود رهبر یک هواپیمای بزرگ. یک سوئیچ کوچک، یک ماشین بزرگ را روشن می‌کند. بنابراین همه چیز با حجم و بزرگی، اندازه نمی‌شود. گاهی یک قرص کوچک شفا می‌دهد، اما یک دیگ ظرف بزرگ از شربت شفا نمی‌دهد. گاهی یک درخت کوچک پر از میوه است، گاهی یک درخت چنار قد منار، هیچ میوه‌ای ندارد. مسائل را سطحی و کیلویی نباید نگاه کرد.

بر اساس ظواهر قضاوت نکنیم!

خیلی‌ها می‌گویند: «بابا این به قد و قیافه‌اش نمی‌خورد که فلان کار خوب را کرده باشد». بسیاری از قضاوت‌های ما قضاوت‌های کیلویی است! به یک کسی گفتند بیمارستان نیروی دریایی کجاست؟ یک خورده فکر کرد و گفت بیمارستان نیروی دریایی؟ لابد کنار دریا است. چون اسم بیمارستان، نیروی دریایی است، گفت لابد جایش هم کنار دریاست!

امام جواد(ع) را بارها امتحان کردند، حدود سی هزار مسئله از ایشان پرسیدند، همه را بدون تأمل جواب دادند. در مجلسی، فردی از این که یک بچه به همه مسائل آگاه باشد متعجب شده بود. امام جواد(ع) متوجه تعجب فرد شده و بیان کردند: «اگر خدا اراده کند، این همه علم را حتی به یک پشه بدهد، می‌دهد».

انرژی هسته‌ای یعنی چه؟ گاهی وقت‌ها خداوند در ذراتی بسیار کوچک، انرژی قرار می‌دهد. خدا اراده کرده این قدرت را در یک سلول و گاهی در یک اتم قرار دهد. به هر حال امامت یعنی اراده خدا، آیت خدا. البته خداوند، بی‌دلیل چیزی را به کسی نمی‌دهد و همه کارهای او بر اساس حکمت است.

شرایط امامت در دعای ندبه

در انتخاب امام، اسراری نهفته است، اما این که اسرار پشت پرده امامت چیست، برخی از آنها در ابتدای دعای ندبه، بیان شده و می‌فرماید: «شَرَطْتُ عَلَيْهِمُ الزُّهْدَ؛ شرط کردی بر آنان که نسبت به مقامات دنیا بی رغبت باشند». اولین شرط امامت، داشتن زهد است، یعنی دنیا طلب، دنیا پرست و دنیا گرا نباشند. بعد می‌فرماید: «وَعَلِمْتَ مِنْهُمْ الْوَفَاءَ؛ و تو وفای آنان را به عهد و پیمان دانستی». خدا هم علم دارد که اولیایش وفا می‌کنند. برای همین: «فَقَبَلْتَهُمْ وَقَرَّبْتَهُمْ وَقَدَّمْتَ لَهُمُ الذِّكْرَ الْعَلِيِّ وَالثَّنَاءَ الْجَلِيَّ؛ پس آنان را پذیرفتی و نزدیکشان گردانیدی پیشاپیش برای آنان ذکر و آوازه بلند، ثنا و ستایش و آشکاری را مقرر نمودی».

ما در نبودمان کلید خانه را به چه کسی می‌دهیم؟ کلید خانه را به کسی می‌دهیم که یک چیزی از خانه بیرون نبرد، دزدی نکند، خانه را کثیف نکند، سوء استفاده نکند، کلید را به دیگری هم ندهد. بازاری‌ها به چه کسی وام می‌دهند؟ به چه کسی نسیمه می‌دهند؟ به کسی که می‌دانند چکش برنمی‌گردد و اعتبار دارد. حالا آیا می‌توانیم بگوییم حالا که به فلانی نسیمه دادی به من هم بده؟ خیر. چون ممکن است یک نفر با گرفتن میلیون‌ها تومان فرار نکند و ظرفیت داشته باشد که آن را حفظ کند و کم کم برگرداند، اما فرد دیگری، حتی با گرفتن یک جفت کفش پا به فرار بگذارد. بنابراین ظرفیت‌ها مهم است: **اللَّهُ أَعْلَمُ حَيْثُ يَجْعَلُ رِسَالَتَهُ^۱**؛ خدا می‌داند که پست و مقام‌ها را به چه کسی بدهد. O. پس پشت پرده هر اتفاقی، ماجراهایی نهفته است.

۱. أنعام(۶)، ۱۲۴.

امامت و خردسالی*

امامت، به معنای پیشوایی، پیشروی و رهبری است. امام نیز به معنای پیشوا، پیشرو، مقتدا،^۱ قیّم، مصلح، الگو، راه اصلی و راهنما است. کسی یا چیزی که از آن پیروی شود، انسان باشد یا کتاب یا چیزی دیگر، به حق باشد یا بر باطل، امام است.^۲

ریشه این واژه «امم» و به معنای قصد یا قصد با توجه خاص است. این معنا در همه مشتقات آن محفوظ است. امام نیز کسی است که همواره مقصود و هدف حرکت و تلاش دیگران قرار گیرد؛ گرچه با اختلاف موارد و قصدکنندگان و جهات و اعتبارات، گوناگون می‌شود؛ مانند امام جمعه و جماعت، امام هدایت و امام ضلالت.

برخی کامل‌ترین تعریف را ریاست بالاصاله عمومی در امر دین و دنیا در دار تکلیف می‌دانند که عموم مردم را به حفظ مصالح دین و دنیایشان ترغیب و از آنچه به حال آنان زیانبار است منع کنند.

*. خدامراد سلیمیان.

۱. صحاح اللغة، ج ۵، ص ۱۸۶۴؛ مقایس اللغة، ج ۱، ص ۲۳؛ العین، ج ۱، ص ۱۰۶.

۲. المفردات، ص ۲۴.

متکلمان اسلامی - شیعه و اهل سنت - امام و به دنبال آن، خلیفه را درباره کسی به کار می‌برند که از ناحیه پیامبر گرامی ﷺ نیابت و ریاست یافته است تا امور دینی و دنیوی مردم را بر عهده گیرد و دین و دنیای آنان را سامان داده، آباد سازد؛ از این رو بر مردم است تا از دستورات وی پیروی کنند.^۱

شیعه، بر این باور است که پیامبران چون از جهت عمر و امکانات محدودند، برای محقق ساختن اهداف خود به امر الهی، جانشین خود را به مردم معرفی و مردم را به اطاعت از آنان سفارش می‌کنند. بر این اساس اگر پیامبر خلیفه و امام معرفی نکند، رسالتش را به انجام نرسانده است.^۲

دیگر آن که، وجود امام در هر عصر و زمان و در هر جامعه‌ای برای هدایت انسان‌ها به سوی کمال و برقراری نظم در جامعه ضرورت دارد.

خداوند در این باره فرمود: **إِنَّمَا أَنْتَ مُنذِرٌ وَلِكُلِّ قَوْمٍ هَادٍ**^۳ همانا تو انذاردهنده‌ای و برای هر قومی هدایت‌گری است. O.

روایات تفسیری این آیه نیز این حقیقت را تأیید می‌کند که امامی زنده تا روز قیامت میان انسان‌ها حضور دارد. همچنین براساس روایاتی درباره سوره قدر، در شب قدر هر سال تا روز قیامت، فرشتگان بر امام آن زمان نازل می‌شوند و این سوره دلیل روشنی بر وجود امام در همه زمان‌ها است.

افزون بر آیات، از روایات فراوانی نیز استفاده می‌شود که زمین، هیچ‌گاه از حجت الهی تهی نخواهد بود و هرگاه از حجت الهی تهی باشد، اهلش را فرو خواهد بُرد؛ به‌گونه‌ای که حتی اگر دو نفر بر روی زمین زندگی کنند، یکی از آنان حجت و امام خواهد بود.

۱. دائرة المعارف قرآن کریم، ج ۴، ص ۲۲۵.

۲. مائده (۵)، ۶۷.

۳. رعد (۱۳)، ۷.

همچنین پیروان مکتب اهل بیت علیهم السلام بر این عقیده‌اند که نام‌های آن پیشوایان در کلام آخرین سفیر الهی به روشنی انعکاس یافته است و آخرین آن پیشوایان نور همانا منجی موعود است که جهان را سرشار از عدالت خواهد کرد آن گونه که آکنده از ستم و بیداد شده باشد. نه فقط پیروان مکتب اهل بیت علیهم السلام که برخی از دانشوران اهل سنت، در روایاتی چند به این حقیقت بزرگ اشاره کرده‌اند.^۱

از این رو سال‌ها پیش از آن که نهم ربیع‌الاول سال ۳۶۰ق فرارسد و آخرین امام از این سلسله مبارک پا به عرصه امامت بگذارد، پیشوایان معصوم علیهم السلام و به‌ویژه واپسین فرستاده خداوند صلی الله علیه و آله، پیامبر خاتم صلی الله علیه و آله امامت آخرین حجت الهی، حضرت مهدی علیه السلام را نوید داده بودند. رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرمود:

پیشوایان پس از من، دوازده نفرند؛ نخستین ایشان، علی بن ابی طالب، و آخرین آن‌ها قائم است. آن‌ها جانشینان و اوصیا و اولیای من و حجت‌های خداوند پس از من، بر امت من هستند. اقرارکننده به آن‌ها مؤمن، و انکارکننده ایشان، کافر است.^۲

پیشوایان معصوم علیهم السلام نیز به پیروی از رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله همواره به سلسله امامان دوازده‌گانه اشاره کرده‌اند؛ به روشنی از دوازدهمین ایشان یاد نموده، شیعیان را از افتادن در دام انحراف و مدعیان، برحذر داشته‌اند.^۳

۱. رک: منتخب‌اللائر، الفصل الاول فیما یدل علی ان الائمة اثنا عشر...

۲. «الائمة بعدی اثنا عشر اولهم علی بن ابی طالب و آخرهم القائم فهم خلفائی و اوصیائی و اولیائی و حجج الله علی امتی بعدی المقر بهم مؤمن و المنکر لهم کافر» (من لایحضره الفقیه، ج ۴، ص ۱۷۹).

۳. «أنا و الحسن و الحسین و الائمة التسعة من ولد الحسین تاسعهم مهدیهم و قائمهم لا یفارقون کتاب الله و لا یفارقهم حتی یردوا علی رسول الله صلی الله علیه و آله حوضه» (کمال الدین و تمام النعمة، ج ۱، ص ۲۴۰).

با شهادت یازدهمین پیشوای شیعیان در هشتم ربیع الاول سال ۲۶۰ق،^۱ در حالی که بیش از پنج بهار^۲ از عمر آخرین ذخیره الهی سپری نشده بود، فصل بهره‌مندی مستقیم انسان‌ها از امام ظاهر به پایان رسید و در پی آن، دورانی بسیار مهم در زندگی پیروان اهل بیت (علیهم‌السلام) پیش آمد. این دوران، همزمان با دو رخداد مهم آغاز شد: رسیدن آخرین حجّت الهی به مقام امامت و دیگری قرار گرفتن آن حضرت در پرده پنهان‌زیستی.

یکی از دانشوران معاصر در تبیین امامت در سنین کم، چنین می‌گوید:

... امامی که در کودکی به پیشوایی روحی و فکری مردم رسیده، و مسلمانان - حتی در کشاکش آن همه موج ویرانگر - باز خویشتن خویش را به پیروی و دوستی او گماشتند، به طور مسلم باید از دانش و آگاهی و گستردگی دید و دانا بودن به فقه و تفسیر و عقاید، بهره‌ای آشکار و چشمگیر داشته باشد؛ چون در غیر این صورت، نمی‌توانست مردم را به پیروی از خویش وادارد... به فرض محال که مردم نتوانستند حقیقت و واقعیت امر را دریابند، دستگاه خلافت و نیروی حاکم که آن همه دشمنی علنی با امام داشته، چرا بر نخاسته و پرده از رخسار حقیقت نیانداخته است؟ اگر امام خردسال، از دانش و سطح تفکر عالی برخوردار نبود، خلفای معاصر، خیلی خوب می‌توانستند جنجال به پا کنند؛ اما سکوت آن‌ها و سکوت تاریخ، گواه است که امامت در سنین کم، پدیده‌ای حقیقی بوده است، نه ساختگی.^۳

۱. کافی، ج ۱، ص ۵۰۳.

۲. الارشاد، ج ۲، ص ۳۳۹.

۳. جست‌وجو و گفت‌وگو پیرامون امام مهدی (عج)، ص ۴۷-۴۸.

البته پیش از آن که در مسیر هدایت جامعه، نوبت به پیشوایی
جانشینان آخرین فرستاده الهی برسد، خداوند ﷻ، پیامبرانی را در کودکی به مقام
نبوت مفتخر ساخته بود (حضرت عیسی بن مریم ﷺ و حضرت یحیی ﷺ).^۲
روایت‌ها و شواهد تاریخی فراوان، گویای آن است که پیش از حضرت
مهدی ﷺ در میان امامان دوازدهگانه، نخستین پیشوایی که در سن کودکی
به امامت رسید، جواد الائمه ﷺ بود. او که نهمین پیشوای شیعیان و یگانه
فرزند حضرت رضا ﷺ بود در روز دهم رجب سال ۱۹۵ق در مدینه چشم
به جهان گشوده، در هفت سالگی به مقام امامت رسید.^۳ از آن جا که
این مسأله در دوران امامت بی سابقه بود، در ابتدا برخی بدان اعتراض کردند؛ ولی
رفته رفته با هدایت‌های امام رضا ﷺ و کرامت‌هایی از خود آن حضرت، دل شیعیان
آرام گرفت.

معمر بن خلاد گوید: از امام رضا ﷺ شنیدم مطلبی درباره امر امامت بیان کرد
و سپس فرمود:

«ما خاندانی هستیم که خردسالانمان مو به مو از بزرگسالانمان ارث
می‌برند».^۴

این روایت، به روشنی بیانگر آن است که مقام امامت، به کمی و یا زیادی سن
ربطی ندارد.

ابوبصیر گوید: خدمت امام صادق ﷺ رسیدم، در حالی که کودک نابالغی

۱. مریم (۱۹)، ۳۰.

۲. مریم (۱۹)، ۱۲.

۳. الارشاد، ج ۲، ص ۲۷۳.

۴. «مَا حَاجَّتْكُمْ إِلَيَّ ذَلِكَ هَذَا أَبُو جَعْفَرٍ قَدْ أَجْلَسْتَهُ مَجْلِسِي وَ صَبَّرْتَهُ مَكَانِي وَقَالَ إِنَّا أَهْلُ بَيْتٍ
يَتَوَارَثُ أَصَاغِرْنَا عَنْ أَكْبَرِنَا الْقُدَّةَ بِالْقُدَّةِ» (کافی، ج ۱، ص ۳۲۰، ح ۲).

۴۰ □ نهم ربیع بیعتی دوباره با امام زمان (عج)

عصاکش من بود. حضرت به من فرمود: چگونه خواهید بود زمانی که حجت بر شما هم سال این کودک باشد؟^۱ یا فرمود: «همسال این کودک بر شما ولایت داشته باشد».^۲

صفوان بن یحیی گوید: به امام رضا (ع) گفتم: پیش از آن که خدا ابوجعفر را به شما ببخشد، درباره جانشیتان از شما می‌پرسیدیم و شما می‌فرمودید: «خدا به من پسری عنایت می‌کند». اکنون او را به شما عنایت کرد و چشم ما را روشن نمود. اگر خدای ناخواسته برای شما پیش آمدی پدید آید به که بگرویم؟» حضرت با دست به ابوجعفر که برابرش ایستاده بود، اشاره فرمود. عرض کردم: «قربانت شوم! این پسر، سه ساله است». فرمود:

چه مانعی دارد؟ عیسی سه ساله [کمتر] بود که به حجت قیام کرد.^۳

اگر چه برخی برابر این اراده از خود واکنش‌های نامناسبی نشان دادند، اما کم نبودند انسان‌های وارسته‌ای که برابر این خواست الهی، در کمال تواضع سر فروتنی و پذیرش فرود آورده، با خشنودی کامل آن را پذیرفتند. از جمله ایشان، علی بن جعفر بن محمد، عموی امام رضا (ع) بود که در کهولت سن، برابر امام جواد (ع) در نهایت فروتنی بر پیروی از ایشان تأکید می‌کرد.^۴

از این جا بود که پیروان راستین اهل بیت (ع) با این باور که مقام امامت امری فراتر از محاسبات ظاهری است در امامت امام هادی (ع)، با اطمینان بیشتری

۱. به نظر می‌رسد مقصود آن حضرت، امام جواد (ع) بوده است. اگر چه می‌تواند اشاره به امامت حضرت مهدی (عج) نیز باشد.

۲. «كَيْفَ أَنْتُمْ إِذَا احْتَجَّ عَلَيْكُمْ بِمِثْلِ سَنَةٍ؟، أَوْ قَالَ: سَبَلِي عَلَيْكُمْ بِمِثْلِ سَنَةٍ» (کافی، ج ۱، حالات الأئمة (ع) فی السن، ح ۴).

۳. «وَمَا يَضُرُّهُ مِنْ ذَلِكَ فَقَدْ قَامَ عِيسَى (ع) بِالْحُجَّةِ وَهُوَ ابْنُ ثَلَاثِ سِنِينَ» (همان، ج ۱، باب الاشارة والنص على ابي جعفر الثاني).

۴. همان، ج ۲، ص ۳۲۲، ح ۱۲.

آن را پذیرفتند؛ چرا که ایشان نیز در سن هشت‌سالگی به امامت رسید.^۱ از آن‌جا که شرایط امامت حضرت مهدی علیه السلام متفاوت بود، تردیدهایی در ذهن شیعه پدید آورده، کار امام حسن عسکری علیه السلام را مشکل ساخت. آن حضرت، نه فقط در سن کمتر از دیگر امامان به امامت رسید، بلکه ولادتش نیز به خاطر مصالحی پنهانی بود و تا زمان امامت، جز اندکی، جمال دل‌آرای او را ندیده بودند. البته حافظه شیعه، آموزه‌های پیشوایان معصوم علیهم السلام پیشین را که با اقداماتی مناسب، برای این امر زمینه‌سازی کرده بودند^۲، هرگز فراموش نکرده بود.

شایان ذکر است که افزون بر پیامبران و پیشوایان معصوم علیهم السلام که به تأیید الهی دارای ویژگی‌های خاصی هستند، بین انسان‌های معمولی نیز کسانی یافت می‌شوند که دارای نبوغ خاصی هستند که آن‌ها را از دیگران متمایز می‌کند. یکی از پژوهشگران معاصر، پس از بیان آیات و روایات، کودکان نابغه‌ای را مؤید رخداد فوق یاد کرده، افرادی چون ابو علی سینا، فاضل هندی، توماس یونگ، را فقط نمونه‌ای از این‌گونه انسان‌ها دانسته است.^۳

برآیند سخن آن‌که: امامت مانند نبوت، موهبتی الهی است که خدای متعال به بندگان برگزیده و شایسته خود بخشیده است و در این بخشش سن و سال، دخالتی ندارد؛ از این رو امر پیشوایی در کودکی، نه فقط امری بعید نیست که در طول تاریخ میان پیامبران الهی علیهم السلام سابقه‌ای دیرینه دارد. و کسانی که برای خرده‌گیری بر پیروان مکتب اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام این مطلب را دستاویز خود قرار داده‌اند، در بیان پیامبری برخی پیامبران و نبوغ برخی بزرگان دین و دانش هیچ تردیدی به خود راه نداده‌اند.

۱. ر.ک: /الارشاد، ج ۲، ص ۲۹۷.

۲. غیبت نعمانی، ص ۳۲۲، ح ۱.

۳. دادگستر جهان، ص ۱۲۳-۱۲۴.

زمینه سازی امام حسن عسگری Φ برای غیبت امام زمان Φ *

به علت فشارهای روز افزون عباسیان بر امامان معصوم β و آزار و شکنجه آنان و نیز آماده نبودن جامعه برای پذیرش امامت امام مهدی، مشیت الهی چنین تعلق گرفت که آخرین وصی پیامبر ρ و ائمه β ، حضرت مهدی موعود Φ در غیبت فرو رود تا وجود مقدسش از گزند حوادث زمان، مصون بماند، در فرصت مناسبی به میان مردم بیایند و مردم از وجود پرفروغ آن امام بهره‌مند شوند. طبیعی است که مردم و جامعه می‌بایست آمادگی‌های لازم را می‌داشتند تا موضوع غیبت امام را بپذیرند و دچار سردرگمی و انحراف در دین نشوند. از این رو، امام عسگری Φ با انجام اقداماتی حکیمانه، در مسیر زمینه سازی و آماده کردن مردم برای پذیرش امر مهم غیبت امام دوازدهم (حضرت مهدی Φ) قدم‌های بسیار مؤثری برداشتند که در این نوشتار به آن می‌پردازیم.

اول. خبر دادن از غیبت

از جمله اقدامات مهم امام حسن عسگری Φ در زمینه سازی غیبت امام زمان Φ طرح پیشاپیش مسأله غیبت بود. ایشان در موارد متعددی، غیبت فرزندشان را -

*. فاطمه آراسته فرد.

که جانشین پس از خودشان محسوب می‌شد - خبر دادند و اینگونه مردم و جامعه را برای پذیرش غیبت آماده کردند.

موسوی بغدادی نقل می‌کند: از امام حسن عسگری (ع) شنیدم که می‌فرمود:

گویا شما را می‌بینم که پس از من درباره جانشینم اختلاف می‌کنید. آگاه باشید که هر کس به ائمه بعد از رسول خدا (ص) اقرار کند، اما منکر فرزندانم شود؛ مانند کسی است که به همه انبیای الهی و رسولانش اقرار داشته باشد، اما نبوت رسول اکرم (ص) را انکار کند، زیرا اطاعت از آخرین نفر ما، مانند اطاعت از اولین ماست و منکر آخرین نفر ما مانند منکر اولین ماست. آگاه باشید که برای فرزندانم، غیبتی است که مردم در آن شک می‌کنند؛ مگر کسی که خدای تعالی وی را حفظ فرماید.^۱

علی بن همام نیز از محمد بن عثمان عمری و او از پدرش نقل کرده است: من نزد امام عسگری (ع) بودم که از آن حضرت درباره خبری که از پدران بزرگوارش روایت شده است، مبنی بر این که: زمین از حجت الهی تا روز قیامت خالی نمی‌ماند و کسی که بمیرد و امام زمانش را نشناسد به مرگ جاهلیت در گذشته است، پرسیدند. ایشان فرمود: «این سخنان، حق است؛ همچنان که روز روشن، حقیقت دارد». گفتند: ای فرزند رسول خدا! حجت و امام پس از شما کیست؟ فرمود:

فرزندم محمد؛ او امام و حجت پس از من است؛ هر که بمیرد و او را نشناسد به مرگ جاهلیت در گذشته است. آگاه باشید که برای او غیبتی است که نادانان در آن سرگردان شوند، مبطلان در آن هلاک گردند و کسانی که برای آن، وقت، معین کنند، دروغ گویند. سپس خروج

۱. کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۱۱۹.

می‌کند و گویا به پرچم‌های سپیدی می‌نگرم که بر بالای سر او در نجف و کوفه در اهتراز است.^۱

دوم. ارتباط حداقلی با شیعیان

امام عسگری (ع) برای مهیا نمودن ذهنیت مردم و خصوصاً شیعه، درباره امر غیبت، شیوه نهان سازی خود را بیش از آنچه در زندگی امام هادی (ع) مورد توجه بود، به کار گرفت. از این رو، ایشان به جز ایامی که به دستور معتمد، برای دیدار وی از خانه بیرون می‌رفت و یا به جهت مصالحی که در نظر داشت، به کسی اجازه ملاقات می‌داد، یا خود، شخصاً به دیدار آنها می‌رفت، دیدار و ملاقات دیگری با مردم نداشت.^۲

به گفته مسعودی، امام حتی برای شیعیان خود ظاهر نمی‌شد و از پشت پرده، با آنان سخن می‌گفت.^۳

این عمل حضرت عسگری و پدر بزرگوارش، مقدمه‌ای برای غیبت صاحب الزمان (ع) بود تا شیعیان با آن مأنوس شده و منکر غیبت نشوند؛ چرا که اگر غیبت امام عصر، به صورت ناگهانی رخ می‌داد، وضعیت بسیار سخت و غیر قابل تحملی برای شیعیان به وجود می‌آمد و چه بسا درک غیبت امام زمان، برای یاران و اصحاب خاص حضرت هم مشکل می‌شد تا چه رسد به مردم عادی که مدت‌های زیادی با امام و حجت خدا به طور مستقیم ارتباط برقرار می‌کردند. در آن شرایط، حتی ممکن بود در اصل وجود حضرت مهدی، نیز شبهه ایجاد شود.

از سوی دیگر، امام عسگری (ع) چون در پادگان نظامی سامرا، تحت کنترل شدید

۱. همان، ص ۱۱۸.

۲. با خورشید سامرا، ص ۲۱۴.

۳. همان، (نقل از اثبات الوصیه).

حکام عباسی بودند، غالباً با شیعیان فاصله داشتند و امور و ارتباطات ایشان از طریق مکاتبات و توقیعات و وکلا بود؛ مثلاً از طریق مکاتبه به سؤالات شیعیان پاسخ می‌دادند؛^۵ تا جایی که «محمد بن یحیی» نقل کرده که «احمد بن اسحاق قمی» از امام عسگری (ع) طلب دست خطی نمود تا بدان وسیله، خط حضرت را از غیر آن باز شناسد.^۱

بنابراین، می‌توان ارتباط مخفیانه و پنهانی امام با شیعیان را از تمهیدات مؤثر ایشان در زمینه سازی غیبت امام عصر (ع) دانست.

سوم. تشکیل و تقویت سازمان وکالت

اقدام دیگر امام حسن عسگری (ع) برای زمینه سازی غیبت، ایجاد سازمان وکالت و تقویت آن بود. این نهاد که در عصر امام صادق (ع) تشکیل شد با فعالیت‌های مختلف و با نظارت امامان معصوم (ع) کار خود را آغاز کرد و به تدریج تا زمان امام حسن عسگری (ع) شکل منسجم نظام مندی به خود گرفت.

الف) علل تشکیل سازمان وکالت

در مورد دلایل تشکیل سازمان وکالت، می‌توان به موارد ذیل اشاره نمود:

۱. لزوم ارتباط بین رهبری و پیروان

در هر نظام دینی، سیاسی یا اجتماعی، ارتباط بین رهبر و اعضای آن نظام، اجتناب ناپذیر است؛ بنابر این می‌بایست کسی یا کسانی از سوی امامان شیعه، تعیین می‌شدند تا به عنوان وکلای آنها، با شیعیان ارتباط برقرار می‌کردند. این مسأله زمانی روشن‌تر می‌شود که به گستردگی عالم اسلامی در آن عصر و پراکندگی شیعیان در نقاط مختلف، اعم از عراق، حجاز، ایران، یمن، مصر و مغرب

۱. تاریخ عصر غیبت، ص ۱۶۸.

توجه کنیم. از آنجایی که همه شیعیان، توانایی مسافرت به مدینه و سایر شهرهای اقامتی امامان را نداشتند، پس لازم بود کسانی به عنوان نمایندگان و افراد مورد اعتماد امام، شناخته شوند.^۱

۲. خفقان حکومت عباسی و لزوم حفظ شیعیان و مکتب توسط امام هر چند وجود خفقان را نمی‌توان علت اصلی تشکیل نهاد وکالت دانست، ولی به طور قطع، این مسأله، علت تشدید فعالیت این نهاد و گسترش و توسعه آن بوده است.^۲

۳. آماده سازی شیعیان برای عصر غیبت

بدون تردید، یکی از وجوه روی آوری ائمه (ع) به تشکیل این نهاد، آماده سازی شیعیان برای پذیرش وضعیت جدید در عصر غیبت بود؛ عصری که شیعه در آن جز از طریق سفرا و وکلای امام، امکان ارتباط با ایشان را نداشت. با توجه به همین حقیقت بود که هرچه شیعه به عصر غیبت نزدیک‌تر می‌شد، راه ارتباط مستقیم او با امام نیز محدودتر می‌گشت و در مقابل، نهاد وکالت نیز تقویت می‌شد؛ تا حدی که در زمان امامین عسگریین (ع) غالب ارتباطات شیعه با این دو امام بزرگوار، از راه مکاتبه و یا وکلا و نمایندگان، صورت می‌گرفت. از این رو، می‌توان گفت که حداقل در عصر دو امام هادی و عسگری (ع) تقویت نهاد وکالت به خاطر تمهید و زمینه چینی برای ورود شیعه به عصر غیبت بوده است.^۳

ب) وظایف و شئون نهاد وکالت

۱. دریافت وجوه شرعی

۱. تاریخ عصر غیبت، ص ۱۳۹.

۲. همان، ص ۱۴۰.

۳. همان، ص ۱۴۱.

از آغاز تأسیس این نهاد، وکلا موظف به جمع آوری و توزیع وجوهات شرعی بودند. به عنوان نمونه از «معلی بن خنیس» به عنوان وکیل و قیّم مالی امام صادق (ع) در مدینه یاد شده است که فعالیت او در جهت جمع آوری وجوهات از شیعیان، سبب سوء ظن عباسیان و سرانجام، شهادت وی شد. دریافت اموال در عصر امام عسگری (ع) به خاطر وجود جوّ خفقان، بدون قبض رسید، انجام می شد.^۱

۲. رسیدگی به اوقاف

برای مثال، حسن محمد قطاء صیدلانی، در رسیدگی به امور وقفی در «واسط» وکالت داشت.^۲

۳. راهنمایی و ارشاد شیعیان و مناظره با مخالفان

یکی از شئون مهم این نهاد، راهنمایی و ارشاد شیعیان به وظایف و اصول صحیح مکتب بوده است. تردیدی نیست که وقتی کسی به عنوان وکیل یک امام معصوم به اهالی یک شهر یا منطقه معرفی می شود، می بایست از نظر شناخت و آگاهی، برتر از سایر افراد باشد و از این جهت، وکلا، غالباً توسط شیعیان مورد سؤال واقع می شدند.

۴. نقش سیاسی نهاد وکالت

اهتمام حاکمیت عباسی در عصر غیبت برای شناختن اعضای نهاد وکالت، نشان از وجود نقش سیاسی این نهاد دارد.

۵. نقش ارتباطی نهاد وکالت با مردم

وکلا - به عنوان رابطین امام در شهرهای مختلف - به پرسش های شرعی، کلامی و اعتقادی مردم پاسخ می دادند، مکاتبات و نامه ها را به محضر امام

۱. همان، ص ۱۴۲-۱۴۳.

۲. بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۳۳۶؛ کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۵۰۴.

می‌رسانند و پاسخ‌های شفاهی را دریافت می‌کردند.^۱

با توجه به چنین ضرورت و کارکردی بود که امام حسن عسگری (ع) نمایندگان مورد اعتمادی را منصوب می‌نمود تا برای حل مشکلات دینی و دنیوی شیعیان، رابطه میان آن حضرت و آنان باشند و شیعیان با موضوع مراجعه به نمایندگان، مأنوس شوند. این مطلب از نامه‌ای که آن حضرت به «احمد بن اسحاق اشعری» نوشت و در آن، نماینده مورد اعتماد و امین خود، «عثمان بن سعید عمری» را مورد تأیید و حمایت قرار داد، بر می‌آید. امام عسگری (ع) در آن نامه فرمود:

ابوعمر، ثقه، امین و مورد اعتماد امام قبلی بوده و در زندگی و پس از مرگ من نیز مورد اعتماد من است، سخنش را بشنو و از او اطاعت کن؛ زیرا او مورد اعتماد و امین است.^۲

امام حسن عسگری (ع) به جهت حفظ و نگهداری اموال مسلمانان، بیم از تباه شدن و از بین رفتن آنها و نیز برای دریافت حقوق شرعی از مردم و توزیع آنها میان نیازمندان و تهیدستان، نمایندگان و وکلایی تعیین فرموده بود تا شیعیان برای حل مشکلات شرعی و اجتماعی خود به آنها پناه ببرند. ایشان به بعضی از وکلای خود - مانند «ابراهیم بن عبده نیشابوری» - فرمان داد تا حقوق شرعی را به آن حضرت برسانند. همین‌طور «عثمان بن سعید عمری» را به عنوان وکیل تام‌الاختیار خود در بغداد تعیین فرمود، به مردم و همه وکلا دستور داد تا با او در ارتباط باشند و همه حقوق واجب الهی و دیگر وجوهی را که نزدشان است به او تحویل دهند.^۳

با وجود این، امام عسگری (ع) کارهای انجام شده توسط وکلا را زیر نظر داشتند

۱. تاریخ عصر غیبت، ص ۱۴۶-۱۴۷.

۲. غیبت طوسی، ص ۳۵۴.

۳. با خورشید سامرا، ص ۲۹۸.

بخش اول. مقالات / زمینه سازی امام حسن عسگری (ع) برای غیبت امام زمان (عج) □ ۴۹

و به هیچ عنوان از اعمال آنها غافل نبودند و بدین سان، فرهنگ باور به امام غایب و رجوع به نائبان را در میان شیعه، نهادینه فرمودند.

روزی مهم، اما بی نام*

وقتی تقویم رسمی کشور را ورق می‌زنیم، خیلی از چیزها نام خاصی در تقویم داشتند، جایگاهی داشتند. از بزرگداشت بزرگان و مفاخر گرفته تا روز کتاب و جوان و سالمندان و معلولان و روز زن و مادر و شیر مادر و.... . به نظر جالب می‌آید. روزهای دیگری هم داشتیم؛ روز آب، منابع طبیعی، روز غذا، بهزیستی، روز زمین پاک و درختکاری، روز احسان و نیکوکاری، روز حمل و نقل و ثبت احوال و ...

مناسبت روز نهم ربیع‌الاول هر چند بسیار ویژه بود؛ اما عجیب است که گویا جایی در تقویم کشور شیعی ما ندارد! این روز مصادف با نخستین روز امامت زمان ϕ ، حضرت مهدی موعود ϕ است. ولی نگاهی به تقویم بیندازیم؛ چندان اشاره‌ای بدان نشده است!

در تمام روزهای سال فقط دو روز را غیر از جمعه، متناسب با امام زمان ϕ می‌یابیم. یک روز همان «روز مستعفیان جهان»، مصادف با سالروز ولادت آن امام است و دیگری «روز نهم ربیع‌الاول»، آغازین روز امامت حضرت مهدی ϕ است. برای این روز فرخنده شما چه نامی را پیشنهاد می‌کنید. این نام علاوه بر اینکه در

*. موسی جوانشیر.

بخش اول. مقالات / روزی مهم، اما بی‌نام □ ۵۱

خور این روز و زیننده آن یار غایب از نظر هست، باید در معنا و مفهوم بر تلاش و تحرک مریدان آن حضرت در جهت زمینه‌سازی برای ظهور ایشان هم تأکید داشته باشد. در این جا چند عنوان پیشنهادی هم برای این روز مطرح می‌کنیم.

۱. روز عید تولد عدالت جهانی؛

۲. روز جبران اندوه شیعه در شهادت امام عسکری A با تداوم خط امامت در ولایت مهدوی؛

۳. نهم ربیع روزی است که شیعه با امام زمان خودش بیعت مجدد می‌کند، بیعت نیز به معنای انتظار عملی به آنچه که امام بگوید و امام بخواهد؛

۴. روز عهد و بیعت جدید با امام زمان؛

۵. شاید بشود از قرآن الهام گرفت که عید غدیر، اکمال دین است. نهم ربیع تحقق این کمال در جامعه بشری است. بنابراین روز امامت امام عصر ϕ یعنی روز تحقق بخشیدن به کمال دین در جامعه بشری، یا نهم ربیع روز احتضار کفار و شیاطین برگرفته از آیه: $\text{III} \text{ الْيَوْمَ يَئِسُ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ دِينِكُمْ }^1$ ؛

۶. روز عید امامت امام زمان ϕ و عید مستضعفین جهان؛

۷. چون نهم ربیع در راستای بعثت و غدیر قرار دارد بنابراین نام دومین غدیر برای این روز مناسب است؛

۸. روز امامت بنامیم؛

۹. نهم ربیع، سرآغاز و شروع زندگی نوین و منتظرانه برای رسیدن به جامعه مطلوب الهی است؛

۱۰. روز شکرگزاری؛

۱۱. نهم ربیع، روز میثاق با امام خوبی‌ها است؛

۵۲ □ نهم ربیع بیعتی دوباره با امام زمان ﷑

۱۲. آغاز زندگی مسلمانان به رهبریت دینی امامی نوین؛

۱۳. روز بیعت، روز پیمان با امام زمان ﷑، روز یاد موعود نامگذاری شود؛

۱۴. نهم ربیع شروع آخرین فاز تحقق اهداف انبیای الهی است. یعنی این فاز آخر از نهم ربیع شروع می شود.

بخش دوم. مصاحبه ها

نهم ربیع، جشن و بیعت؛ چرا و چگونه؟!

وقتی سخن از برگزاری جشن یا شادمانی به مناسبت آغاز امامت امام زمان ϕ و بیعت با ایشان می‌شود، برخی می‌پرسند: معنای این کار چیست؟ مگر در عصر امامان شیعه چنین رسمی بوده است که امامی شهید شده و روز بعد، برای امامت فرزندش شادمان باشند؟ پرسش دیگر اینکه آیا این درست است که عده‌ای قصد دارند با طرح جشن نهم ربیع به عنوان آغاز امامت امام عصر ϕ با برنامه‌های دیگر در چنین روزی مقابله کنند؟ و اصولاً بیعت با امام یعنی چه و چه ثمره‌ای دارد؟ این‌ها پرسش‌هایی است که می‌خواهیم نگاه حجت الاسلام دکتر محمدصابر جعفری مدرس و مولف کتابها و مقالات تخصصی مهدوی را در این باره بدانیم:

۱. آیا شیعیان برای به امامت رسیدن امامی، جشن می‌گرفته‌اند؟

دو نوع شادمانی برای به امامت رسیدن امام داریم. یک نوع وقتی است که پیامبر ﷺ ، حضرت علی علیه السلام را به عنوان امام معرفی می‌کند. برای این امر، مراسم داشتیم و امامان هم بر آن و بزرگداشت آن تأکید کرده‌اند؛ البته جشنی متناسب با عرف زمانه خودش؛ یعنی وقتی پیامبر ﷺ ، حضرت علی علیه السلام را به عنوان امام در غدیر مطرح می‌کنند که یک حالت عمومی دارد، این همراه خودش، جشن دارد؛ تا چند روز افراد به امیرالمؤمنین علیه السلام تبریک می‌گفتند؛ حتی بعد از این واقعه هم،

بخش دوم. مصاحبه‌ها/ نهم ربیع، جشن و بیعت؛ چرا و چگونه؟! □ ۵۵

وقتی کسی خبردار می‌شد به آن حضرت تبریک می‌گفت؛ چون پیامبر K فرموده بودند که حاضران به غایبان بگویند. حاجیانی که به مناطق خودشان برمی‌گشتند و این خبر مهم را به منطقه خودشان می‌رساندند، عده‌ای که تازه خبردار می‌شدند باز هم به امیرالمؤمنین علیه السلام تبریک می‌گفتند.

جشن گرفتن در این روز در سیره علما هم بود است. با اینکه عید قربان و عید فطر از عیدهای اسلامی است؛ اما علاوه بر این دو عید، عید غدیر را بسیار گرامی می‌داشتند.

اما نوع دوم، آغاز امامت، بعد از شهادت امام قبلی است. سیره اهل بیت β در این مورد چگونه بوده است؟ اول اینکه طبیعی است که ایشان به مناسبت شهادت امام قبلی، محزون بوده‌اند. شیعیان نزد امام جدید می‌آمدند و ابتدا شهادت امام قبلی را تسلیت می‌گفتند و سپس با امام جدید بیعت می‌کردند. امام φ با تعابیر مختلف به اینها می‌گفتند خوشحال باشید که با ما هستید و شیعیان هم خوشحال بودند که گمراه نشده‌اند و امام بعدی را شناخته‌اند و مثلاً هفت‌امامی نمانده‌اند؛ به خصوص تا زمان امام رضا علیه السلام که سرآغاز دوازده‌امامی شدن شیعه است؛ یعنی ما هفت‌امامی و شش‌امامی داریم، اما هشت‌امامی نداریم؛ هر کسی امام رضا φ را پذیرفته است بقیه ائمه را هم قبول کرده و دوازده‌امامی شده است.

البته اهل بیت β در یک فضای حزنی زندگی می‌کردند و می‌فرمودند بنی‌امیه برای ما عید نگذاشتند؛ بنابراین سیره آنها بیشتر به تسلیت و حزن متمایل بوده است.

در تقویم‌های ایران قدیم، این روز به نام تاجگذاری امام عصر φ مطرح بوده است، ولی پس از انقلاب اسلامی، تعبیر تاجگذاری تغییر کرد. این سخن صحیح نیست که کسی بگوید ما در بین علما، کسی را نداشتیم که به نهم ربیع اهتمام بورزد!

۲. آیا این نهم ربیع را در مقابل آن نهم ربیع درآورده‌اند؟!

خیر. جشن و شادمانی برای آغاز امامت امام عصر ﷺ پیش از انقلاب اسلامی هم بوده است و اصلاً حادثه دیگری در نهم ربیع نبوده است. خلیفه دوم در اواخر ذی‌الحجه از دنیا رفته است و ربطی به نهم ربیع ندارد؛ البته چون نهم ربیع به روز قتل خلیفه دوم معروف بود، بنابراین برای برخی از سالروز آغاز ولایت امام عصر ﷺ پررنگ‌تر بود؛ اما به این معنا نبود که آغاز امامت امام عصر ﷺ مورد غفلت واقع شود؛ البته دست‌هایی در کار است؛ دست‌هایی که می‌خواهند وحدت را برهم بزنند؛ وگرنه کسانی که در نظام ما دم از وحدت زدند، از همه بیشتر تبیین‌گر ولایت بوده‌اند، مثل امام راحل (ع)؛ این همه از وحدت صحبت کرد، ولی خود امام (ع) از همه بیشتر ولایی و مبلغ ولایت بود؛ از همه بیشتر درباره ولایت امام عصر ﷺ و ائمه (ع) و ولایت امیرالمؤمنین (ع) سخن گفت. مقام معظم رهبری هم از وحدت صحبت می‌کنند و هم در مورد جایگاه اهل بیت (ع)، جایگاه برتری امیرالمؤمنین (ع)، جایگاه برتری اهل بیت (ع) صحبت می‌کنند، و یا مجالس و روضه‌هایی که در بیت خودشان برگزار می‌کنند، هیچ‌کدام منافاتی با بحث وحدت ندارد؛ اما برخی از آدم‌هایی که دم از وحدت می‌زنند، فحش هم می‌دهند، لعن هم می‌کنند؛ هیچ موفقیتی در جهت ترویج و تبلیغ مکتب اهل بیت (ع) و ترویج شیعه نداشته‌اند.

۳. بیعت چیست؟

بیعت از بیع می‌آید به معنای معامله و خرید و فروش؛ قرآن می‌فرماید: Π **وَمِنَ النَّاسِ مَن يَشْرِي نَفْسَهُ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ**؛^۱ برخی از مردم هستند که جان خودشان را برای رضای خداوند متعال می‌فروشند. و یا تعبیری که در مورد انسان وجود دارد این است: انسان در یک نوع معامله قرار دارد، Π **وَالْعَصْرُ**؛ **إِنَّ**

۱. بقره (۲)، ۲۰۷.

بخش دوم. مصاحبه‌ها/ نهم ربیع، جشن و بیعت؛ چرا و چگونه؟! □ ۵۷

الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ؛ انسان در سود و زیان است. وقتی دنیا مزرعه شد، انسان دائم در حال معامله است و در سود و زیان است و دائم دارد از او کم می‌شود و خسر یعنی همین.

اگر انسان در معامله و سود و زیان است، دین، بیع او را جهت می‌دهد و جهت‌دهی آن، بیعت با امام است. در واقع کار دین جهت‌دهی به معاملات انسان است؛ جهت‌دهی به اینکه تو زندگی‌ات را، فکر را، ذکر را، وقت را، قلمت را، علقه‌هایت را، دغدغه‌هایت را و هزینه‌های مالی‌ات را برای چه مصرف کنی؟ اگر جهت ندهی، خسر است، مثل یخی که دارد آب می‌شود سرمایه‌هایت هم دارد نابود می‌شود. دین جهت می‌دهد که سرمایه‌های وجودت را به چه کسی بفروشی. امام علی (ع) می‌فرماید:

الا ان تمنك الجنه فلا تبيعوها الا بالجنه؛ آگاه باشید که قیمت جان

شما بهشت است، پس نفروشید آن را مگر به بهشت.

تازه این بهای جان شماست و بالاتر از این روح شماست که بهای آن، خود خداست. پس حالا که قرار است جان ما برود، برای چه و برای چه برود؟ چه بخواهیم و چه نخواهیم این جانمان دارد رایگان می‌رود. چه خوب است که این جانمان را به دست کسی بسپاریم که هم خوب مدیریت می‌کند و هم دوستان دارد.

بیعت این ثمره را هم دارد که وقتی فهمیدی طرف حسابت امام حسین (ع) یا امام عصر (ع) است، رفتارت، زندگی‌ات، برخوردت، همه به او بیشتر متمایل می‌شود.

۴. آیا این بیعت سابقه داشته است؟

چنانکه گفتیم، تجدید عهد و پیمان و بیعت با امام، سابقه داشته است؛ به عبارت دیگر، سیر زندگی اهل بیت (ع) اینگونه بوده است که هرگاه امامی به شهادت می‌رسید، شیعیان نزد امام بعدی می‌آمدند و عرض ارادت می‌کردند و ضمن عرض

تسلیم شهادت امام قبلی، با امام جدید هم تجدید عهد و بیعت می کردند؛ حتی امامان قبل از شهادت، برای امام بعد از خود نیز از مردم بیعت می گرفتند؛ مثلاً پیامبر اسلام (ص) در غدیر خم نسبت به حضرت علی (ع) از مردم بیعت گرفتند و فرمودند: «من کنت مولاه فهذا علی مولاه»، بعد دستور دادند که همگان بر قبول ولایت و وفاداری نسبت به آن با امیرالمؤمنین (ع) بیعت کنند، به نقل تاریخ سه شبانه روز طول کشید تا همگان توانستند با علی (ع) بیعت کنند؛ حتی خانمها هم با قرار دادن دستشان در ظرف آبی با آن حضرت بیعت کردند و یا پیامبر فرمود: «سَلِّمُوا عَلٰی عَلِيٍّ بِأَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ (بامره المؤمنین)؛ به حضرت علی به عنوان امیرالمؤمنین سلام دهید». گاهی وقتها پیامبر یا امام، نسبت به امام بعدی، از افراد عهد و پیمان خصوصی و عمومی می گرفتند. جالب اینکه گاهی هم برای خودشان از مردم عهد و پیمان و بیعت می گرفتند؛ مثلاً پیامبر اسلام (ص) از مسلمانان همراه خویش بیعتی گرفت که بعدها «بیعت رضوان» نامیده شد. ائمه (ع) هم برای امامت خودشان از مردم بیعت مجدد می گرفتند یا متذکر بیعت گذشته می شدند. روایاتی که «انشدکم الله» دارد به این موضوع برمی گردد. حضرت علی (ع) چند بار متذکر بیعت می شوند؛ امام حسین (ع) نیز یک سال پیش از واقعه عاشورا در منی، یادآور بیعت می شود و وقتی امام حسین (ع) و حضرت علی (ع) از مردم می خواهند و جواب نمی دهند، آنها را نفرین می کنند. «انشدکم الله»، شما را به خدا قسم می دهم که شما نبودید که پیامبر فرمود: «اولی بکم من انفسکم»؟ چهار پنج تا از صحابه پیامبر (ص) می گویند ما پیرمرد شدیم و یادمان نمی آید که حضرت آنها را نفرین می کند. این نکته مهم است که گاهی وقتها امام، جامعه را به آن بیعت با خود متذکر می شود.

بنابراین با نزدیک شدن به ایام نهم ربیع الاول، آغاز امامت یگانه منجی عالم بشریت و سخن از بیعت با امام زمان (عج)؛ برای کسی احساس غریبی پیش نیاید؛

بخش دوم. مصاحبه‌ها/ نهم ربیع، جشن و بیعت؛ چرا و چگونه؟! □ ۵۹

زیرا تجدید عهد و بیعت برای جریان امامت (p) چیز عجیبی نیست.

بازگشت به احیای جشن امامت امام زمان ﷑

حجت‌الاسلام مصطفی صادقی، متخصص در تاریخ اسلام و تشیع، نویسنده کتاب‌های «شرح غم حسین»، «ترجمه مقتل خوارزمی»، «دولت‌مردان شیعه»، «تحلیل تاریخی نشانه‌های ظهور» است. کتابی دیگر با عنوان «پیامبر و یهود» از این نویسنده و محقق به چاپ رسیده که علت نگارش آن را برخوردهای پیامبر با یهود می‌داند. عنوان پایان‌نامه‌اش «کاشان در مسیر تشیع» و مربوط به قرن‌های اولیه تشیع است.

همشهری سهراب است! برای همین سعی کردیم نرم و آهسته به سراغش برویم. دفترش را در طبقه سوم پژوهشگاه پیدا کردیم و به گفت‌وگو نشستیم. معمولاً رسم بر این بوده که نهم ربیع‌الاول را جشن بگیرند، ولی بعضی افراد به این بهانه کارهایی می‌کنند که در شأن شیعه نیست، با توجه به اینکه شما نویسنده مقاله «رد قتل عمر در روز ۹ ربیع» هستید، برای بررسی این موضوع به سراغتان آمدیم. درباره این مقاله و انگیزه تدوین آن توضیح دهید، آیا مقاله را منتشر هم کردید؟

متأسفانه پیش از این به مناسبت نهم ربیع، در کاشان رفتارهایی از بعضی افراد سر می‌زد که علاوه بر ضربه زدن به بحث وحدت بین شیعه و سنی، در شأن

بخش دوم. مصاحبه‌ها/ بازگشت به احیای جشن امامت امام زمان Φ □ ۶۱

شیعه هم نبود. جرقه اولیه این مقاله از یک تحقیق کلاسی شروع شد که با تشویق بعضی دوستان مصمم به پیگیری آن شدم. انگیزه این تحقیق هم نگاه فرقه‌ای و نه تاریخی، به ماجرای قتل خلیفه دوم و مناسبت نهم ربیع بود. آن زمان بنا به دلایلی با چاپ چنین مطالبی موافقت نمی‌شد، شاید تعداد محدودی از آن به شکلی چاپ شده باشد. پس از عنایت ویژه مقام معظم رهبری بر بحث وحدت و سخنرانی‌های آیت‌الله تسخیری^۱، سیاست نظام بر حفظ وحدت و تقویت آن قرار گرفت. پس از آن، فضا برای نشر چنین مطالبی باز شد و گرنه سنتی‌ها نمی‌پذیرفتند؛ چرا که این بحث نزدیک به ۳۰۰ - ۴۰۰ سال (از صفویه به این طرف) جا افتاده بود و پذیرش آن مشکل بود.

چه نیازیست که آغاز امامت امام زمان Φ را جشن بگیریم؟ اگر خوب است، چرا آغاز امامت بقیه ائمه β را جشن نمی‌گیریم؟

امام زمان Φ امام حاضر ماست، ما عصر ائمه دیگر را درک نکردیم، ولی ایشان حاضر است؛ از این رو هم ولادتش در نیمه شعبان، هم آغاز امامتش در نهم ربیع، برای ما اهمیت دارد و این جشن جزو همان روایت است که می‌فرماید: «شیعیان ما در ایام شادی ما شاد هستند».

برای اینکه جشن نهم ربیع به عنوان آغاز امامت امام زمان Φ به صورت فراگیر برگزار شود چه باید کرد؟

درستش هم همین است؛ چرا که شهادت امام عسکری ۸ هشتم ربیع است و طبیعتاً بعد از شهادت ایشان، ولایت امام زمان آغاز می‌شود. این جشنی است که در بین شیعه بوده است و همین هم، منشاء نهم ربیع به عنوان قتل خلیفه دوم

۱. دبیر سابق مجمع جهانی اهل بیت β .

۶۲ □ نهم ربیع بیعتی دوباره با امام زمان ϕ

شده است؛ چرا که زمان مرگ خلیفه دوم را از ۲۶ ذیحجه تا اول محرم گفته‌اند، چون وقتی مجروح شد، بعد از دو سه روز از دنیا رفت.

شیعیان چون دیدند این واقعه مصادف با ابتدای محرم و صفر است؛ و این دو ماه خیلی هم برایشان اهمیت دارد، این تاریخ را به فراموشی سپردند و بعد از محرم و صفر و بعد از شهادت امام عسکری A این برنامه را گذاشته‌اند.

حالا چه بهتر که به خاطر وحدت و عدم ایجاد تنش برگردیم و بر امامت امام زمان ϕ تأکید کنیم، البته بحث تولی و تبری لازم است، اما اگر قرار باشد ما به روش غیر اصولی جشن بگیریم، آنها هم مقابله به مثل می‌کنند.

ما باید برگردیم به همان سنت قدیم؛ یعنی احیای جشن امامت امام زمان ϕ ، دست اندرکاران مهدویت هم نظرشان بر این است و الآن هم در رسانه‌ها ترویج می‌شود. این کار بسیار راحت است و خیلی هزینه نمی‌خواهد، چرا که زمینه آن فراهم است.

چه پیشنهادی برای دوستداران حضرت ϕ در این روز دارید؟

پیشنهاد می‌کنم زندگی حضرت، مهدویت و غیبت را مطالعه کنند. خرافات و مطالبی که این طرف و آن طرف گفته می‌شود و در کتب معتبر نیامده است را رها کنند. چه در این روز و چه در نیمه شعبان، باید به سمتی برویم که امام زمان را بشناسیم و بتوانیم به کسانی که حتی این اعتقاد را به تمسخر می‌گیرند پاسخ گو باشیم.

این اعتقاد را در خود قوی کنیم و شبهه‌ها را پاسخ دهیم. بهتر است در کنار برگزاری جشن، کتاب‌های معتبر درباره ائمه β را بخوانیم. البته تبلیغات و شور و هیجان چه در عزاداری و چه در جشن لازم است، اما نباید فقط هیجان و شور باشد.

حدیثی در بین مردم درباره نهم ربیع شایع است که می‌گوید در این روز قلم از

بخش دوم. مصاحبه‌ها/ بازگشت به احیای جشن امامت امام زمان ﷺ ۶۳

مسلمانان برداشته می‌شود (رُفِعَ الْقَلَمُ) و اعمال آنها نوشته نمی‌شود و شاید به همین بهانه است که بعضی افراد در این روز مرتکب برخی اعمال می‌شوند. درباره این حدیث توضیح دهید.

حدیث جعلی و دروغین رفع القلم خلاف شرع است، در جای خودش روایت شده است، هر چیزی که با قرآن مقایسه شود و مخالف آن باشد را به دیوار بکوبید.

یک وقتی حدیث رفع القلم را برای یکی از مراجع مطرح کردم و گفتم که سند هم دارد، ایشان فرمودند: احادیث بسیاری وجود دارد که برای آنها سند جعل کرده‌اند.

البته من سلسله سند این حدیث را هم از سه منظر بررسی کردم. ابتدا از لحاظ منبع، یعنی کتابی که حدیث در آن آمده، دوم از لحاظ سند و سلسله راویان، سوم از لحاظ محتوا. این حدیث نه در منابع معتبر آمده، نه راویان معتبری دارد و اکثر رجالش (کسانی که آن را نقل کرده‌اند) شناخته شده نیستند و نه محتوای درستی دارد؛ بنابراین، روایت نه تنها سندش ضعیف است، بلکه محتوای آن هم با قرآن سازگار نیست.

علاوه بر اینها خود حدیث هم ابهام دارد و معلوم نیست که درباره کیست؟ در این حدیث به اسم عمر بن خطاب تصریح نشده است؛ بلکه نام «ابوالخطاب» آمده است که مجهول است. به خصوص که باید توجه داشت نام یکی از غالیان زمان امام صادق 8، ابوالخطاب بوده است.

برای نهم ربیع چه پیامی دارید؟

شیعه پس از سالیانی که بر او ظلم روا شده بود، وقتی به اوج رسید، به خاطر کینه‌ای که از دشمنان اهل بیت داشت، سعی کرد با این برنامه مخالفت خود را اعلام کند، ولی در دوره‌های بعد، حتی دشمنان مشترک مسلمانان برای اختلاف

۶۴ □ نهم ربیع بیعتی دوباره با امام زمان ﷺ

شیعه و سنی به این مراسم دامن زدند؛ حالا زمان آن است که به ترویج امامت امام زمان ﷺ، البته به شکل صحیح، بازگردیم.

اهمیت نهم ربیع

یکی از روزهای مهم ماه ربیع‌الاول، روز نهم این ماه است؛ روزی که بسیاری به اشتباه تصور می‌کنند مناسبت این روز قتل خلیفه دوم است؛ حال آنکه مورخان، ۲۸ ذی‌الحجه را روز درگذشت وی می‌دانند. نهم ربیع‌الاول نخستین روز امامت و ولایت یگانه منجی عالم بشریت، حضرت مهدی موعود Φ است که پس از شهادت پدر بزرگوارشان امام حسن عسکری Φ ، به این مقام نائل شده‌اند. به مناسبت این روز مبارک، به سراغ کارشناسان عرصه مهدویت رفتیم و درباره اهمیت این روز و وظیفه ما شیعیان آن حضرت در این باره، گفت‌وگو کردیم.

۱. آغاز امامتِ امام عصر Φ چه اهمیتی دارد و چرا باید این روز را جشن گرفت؟

حجت‌الاسلام والمسلمین مجتبی کلباسی (مدیر مرکز تخصصی مهدویت): همه انبیا و ائمه یک روزی، روز شروع و آغاز کارشان بود که به امر الهی اقدام به دعوت به سوی پروردگار کرده‌اند. ولی حضرت مهدی Φ ، امام حی و زنده ما هستند و آخرین وصی و حجت‌الهی؛ بنابراین آغاز امامتشان یک تمایزی با آغاز ولایت دیگر اولیای الهی دارد، و ما با بزرگداشت این روز، توجه و وظیفه خودمان را نسبت به امر امامت آن حضرت ابراز می‌کنیم.

حجت‌الاسلام جواد محدثی (نویسنده، پژوهشگر): به همان دلیلی که باید

«غدیر خم» را جشن گرفت و اهتمام ورزید و جایگاه امامت و رهبری امام معصوم را ارج نهاد، آغاز امامت هر امام نیز، شایسته تکریم است، ولی نسبت به ائمه دیگر چنین رسمی نبوده و معمولاً روز وفات یا شهادت هر امام، آغاز امامتِ امام بعدی هم هست و در یک فرصت، هم داغ شهادت امام است، هم سرور برای امامتِ جانشین او؛ لیکن درباره حضرت ولی عصر ﷓ این مسئله اهمیت خاصی پیدا می‌کند، چون آن امام، هم اکنون زنده است و دوران ما، دوران امامت اوست و آن حضرت، «امام عصر» ما است و برای این که دل‌ها و ذهن‌ها توجه بیشتری به آن حضرت پیدا کند و مسئله امامت در عصر غیبت از یادها نرود و شوق انتظار در دل‌ها برافروخته‌تر شود، سالروز آغاز امامت آن حجت الهی را یاد می‌کنیم و جشن می‌گیریم؛ به خصوص با توجه به شرایط حاضر در جهان معاصر که نسبت به وجود آن حضرت، از سوی دشمنان اهل بیت، تشکیک می‌شود و «مهدی‌باوری» را زیر سؤال می‌برند، گرامیداشت این روز، تلاش برای ریشه‌دارتر کردن این باور اسلامی و شیعی در دل‌های اهل ایمان و منتظران ظهور آن حضرت است.

حجت‌الاسلام علی صدوقی (استاد و مشاور اخلاق و تربیت مهدوی):

مهمترین و محوری‌ترین بحث نهم ربیع، آغاز ولایت امام عصر ﷓ است. اگر بتوانیم از نهم تا هفدهم ربیع‌الاول را که تولد پیامبر اکرم K است، به عنوان دهه امامت و رسالت نامگذاری کنیم، کار بسیار مهمی کرده‌ایم؛ در این صورت بهتر می‌توانیم از فرصت ایجاد شده بهره ببریم. بدانیم که در این روز مأموریت اصلی، سه چیز است؛ اول، باید شناخت و معرفت به امام را در جامعه بیشتر کنیم؛ دوم، انس به آن حضرت را در جامعه افزایش دهیم؛ سوم این که وظایف و تکالیف مردم را در عصر غیبت بیان کنیم.

حجت‌الاسلام محمد رضا فؤادیان (معاون پژوهش بنیاد فرهنگی حضرت

مهدی موعود ﷓): درباره آغاز امامت امام زمان ﷓، جشن باشکوه و ویژه می‌گیریم،

بخش دوم. مصاحبه‌ها/ اهمیت نهم ربیع □ ۶۷

اما باید مراقب باشیم که مرتکب اعمال خلاف شرع نشویم چرا که علمای ما اصرار دارند که به مقدسات دیگر مذاهب توهین نشود و سیره اهل بیت β هم این گونه نبوده است که مجالس توهین‌آمیز برگزار شود. الآن هم در شبکه‌های ماهواره‌ای، گوشه‌هایی از برخی مراسمات غلط را برای مسلمانان جهان پخش می‌کنند و می‌گویند شیعیان چنین حرف‌هایی را درباره صحابه می‌زنند؛ بنابراین برای برگزاری این گونه جشن‌ها باید یک تجدید نظر و تدبیر خاصی انجام شود. شادی در دین جایگاه مهمی دارد، ولی امروزه تندروی‌هایی در این باره صورت می‌گیرد که قطعاً اهل بیت β از آن راضی نیستند.

حجت‌الاسلام رحیم کارگر (عضو پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی): نهم ربیع‌الاول آغاز امامت امام مهدی ϕ و نویدبخش حکومت عدل جهانی موعود و بشارت‌دهنده جامعه زیبای معنوی است. آرمان شهر الهی که در همه ادیان گفته شده است و همه مکاتب درباره آن صحبت کرده‌اند، با تولد و به امامت رسیدن امام مهدی ϕ وارد فاز عملیاتی شده است. غیبت آن حضرت به معنای انقطاع و دور دست بودن این جامعه نیست؛ بلکه به این معنا است که بشر باید خود را آماده کند. به همین سبب، این روز را باید بسیار بزرگ بدانیم. این روز، روز شکرانه ولایت و نعمت بزرگ الهی است. بنابراین جا دارد در مساجد و محافل و نشست‌ها، برنامه شکرگزاری داشته باشیم؛ حتی در مسیحیت هم یک روز شکرگزاری هست. چه خوب است که روز شکرگزاری ما روز آغاز امامت امام مهدی ϕ باشد.

حجت‌الاسلام محمدرضا نصوری (کارشناس مباحث مهدویت و فرقه‌های انحرافی): این روز را برخی به نام عید الله اکبر، غدیر دوم بیان کرده‌اند. در غدیر با حضرت علی A بیعت کردند. این روز هم ما با امام زمان ϕ بیعت می‌کنیم؛ در این روز به نوعی اظهار علاقه خود را نسبت به امام زمان خودمان داشته باشیم.

آغاز امامت امام عصر Φ را برای این جشن می‌گیریم که ایشان تنها امامی است که زنده بوده و الآن غایب است و ما با برگزاری مجالس جشن و شادی در هر سال با امام زمان Φ تجدید بیعت می‌کنیم؛ یعنی به نوعی می‌خواهیم این نگاه را داشته باشیم که در دوران عدم ظهور حضرت مهدی Φ و دوران غیبت کبری، امام، حاضر و ناظر بر برنامه‌ها و کارهای ماست.

حجت‌الاسلام مهدی یوسفیان (کارشناس و استاد مباحث مهدویت): برای حرکت در مسیر دین هم انسان باید متناسب با زمان خودش دین را کامل‌تر بشناسد و هم نیاز دارد به اینکه کسی او را راهنمایی و راهبری و دستگیری کند. امامت ادامه رسالت پیامبر خاتم K و امام جانشین او کسی است که راهبری و راهنمایی انسان را به عهده دارد و انسان را دستگیری می‌کند، بنابراین ما چون در زمان امام عصر Φ هستیم، ایشان کسی است که راهنمایی ما را به عهده گرفته و واضح است که ما باید نسبت به ایشان توجه خاصی داشته باشیم و روز ولادت و روز آغاز امامتشان را، که سرپرستی ما را به عهده گرفته‌اند، گرامی بداریم. علاوه بر آن، امام عصر Φ یک ویژگی دیگر دارند که سایر حجت‌های الهی نداشته‌اند و آن اینکه این بزرگوار تحقق‌بخش آرمان‌های الهی و ثمره تلاش حجت‌های آسمانی هستند و جهان را از آلودگی‌ها پاک می‌کند. طبیعتاً آغاز امامت ایشان یک لذت و سروری دارد که باید به صورت ویژه جشن گرفته شود.

حجت‌الاسلام محمد یوسفیان (کارشناس مباحث مهدویت): با آغاز امامت ایشان، علاوه بر اینکه زمین از حجت خدا خالی نخواهد بود، اهل زمین هم در امان حجت خدا باقی می‌مانند؛ همچنین استمرار دوری از مرگ جاهلی (من مات و لم یعرف امام زمانه مات میتة الجاهلیة) و پایان فصل بهره‌مندی مستقیم از امام ظاهر و آغاز بهره‌مندی و انتفاع از امام غایب است و با آغاز امامت امام غایب، می‌توانیم اعلام کنیم بعد از هزار سال، همچنان امام زمان داریم. آیا استمرار

بخش دوم. مصاحبه‌ها/ اهمیت نهم ربیع □ ۶۹

امامت و شناخت اینکه با او بودن حیات دل است، شادی ندارد؟

حجت‌الاسلام سید جعفر موسوی نسب (کارشناس مباحث مهدویت و نویسنده کتاب غدیر دوم): ما در دوران غیبت کبرای امام عصر Φ هستیم. طبق حدیث پیامبر که فرمودند: «هر کس بمیرد و امام زمانش را نشناسد به مرگ جاهلیت مرده است». همه باید امام زمان خود را بشناسند. در این دوران شناختن حضرت ولی عصر Φ از اهم واجبات برای ما است که همه زندگی ما (اجتماع، اقتصاد و همه مباحث حول محور مهدویت) زیر مجموعه ولایت است. ما باید با برگزاری مراسم جشن و اجتماعات بزرگ به تبیین جایگاه امام در هستی و شناخت آن حضرت پردازیم.

پیشنادهایی برای نهم ربیع

برای رونق و ترویج نهم ربیع در جامعه چه کارویژه هایی را توصیه می کنید؟
مرحوم شیخ عباس قمی در کتاب شریف مفاتیح الجنان آورده است که روز هشتم ربیع الاول سال ۲۶۰ هجری قمری، شهادت حضرت عسکری (ع) واقع شد، و حضرت صاحب الامر (ع) به منصب جلیل امامت نایل گردید. بنابراین زیارت این دو بزرگوار در این روز بسیار مناسب است و روز نهم ربیع الاول، روز عید بزرگ است. این روز، روز برطرف شدن غمها و روز بسیار شریفی است و چون روز هشتم [این] ماه، [روز] شهادت امام عسکری (ع) بوده و این روز [نهم ربیع الاول]، روز اول امامت حضرت صاحب الزمان (ع) است، سبب مزید شرافتش خواهد بود.
در روایتی آمده هر که در این روز چیزی انفاق کند، گناهانش آمرزیده می شود و گفته اند: در این روز [چند امر] مستحب است:

۱. اطعام به دوستان و ایجاد فرح و شادی در بین آنان؛

۲. پوشیدن لباس نو؛

۳. شکر و عبادت خداوند متعال؛

۴. گشاده دستی و فراوانی برای خانواده.

*

حجت‌الاسلام والمسلمین مجتبی کلباسی (مدیر مرکز تخصصی

مهدویت): اصل مسئله مهدویت و امامت مهم است و نهم ربیع بهانه ای است برای پرداختن به این موضوع اصلی. بنابراین با شناساندن نهم ربیع و اهتمام به آن می توانیم ضمن بزرگداشت این روز، به تبیین نقش و جایگاه امام، مسئولیت و آثار معرفت امام بپردازیم. همچنین با ترسیم آینده ای روشن برای بشریت، نقشی را که آن حضرت در تحقق آرزوهای دیرین بشر ایفا می کند، به نمایش بگذاریم. با این رویکرد، نهم ربیع بهانه‌ای است برای طرح اندیشه مهدویت که جزو اندیشه‌های اساسی تشیع است.

※

حجت‌الاسلام جواد محدثی (نویسنده و پژوهشگر): اگر فعالیت‌های

فرهنگی مربوط به امام زمان ϕ و موضوع مهدویت، همچنان که در نیمه شعبان انجام می‌گیرد در این روز هم صورت بگیرد، «نهم ربیع» هم در اذهان ماندگار می‌شود و وسیله‌ای می‌شود برای ایجاد علقه و پیوند بین شیعیان و امام زمان. گاهی در این روز، برنامه‌های سبکی به مناسبت و انگیزه دیگری صورت می‌گیرد که مایه تفرقه و تقابل هم می‌شود. بهتر است که نهم ربیع را از حیث تعلقش به حضرت حجت و آغاز امامت خجسته آن حضرت مطرح کنیم و برنامه‌های شاد داشته باشیم. نشر بروشورهای مناسب و پخش کتاب و جزوه‌های مرتبط با این موضوع نیز شایسته است.

از طرفی هم در روایات ما آمده است که هر امامی بر گردن پیروان خودش، عهد و میثاقی دارد. اساساً اعتقاد به امامت امام معصوم ϕ ، همراه است با یک سلسله تعهد و پیمان و ولایت و همبستگی و میثاق. «دعای عهد» را که در دوران غیبت می‌خوانیم، متضمن همین «عهدنامه» با آن امام غایب است که شیعه معتقد به آن حضرت، با مولای خویش پیمان می‌بندد که مطیع فرمان و

مجری دستور و در خط آن حجت الهی باشد و جان بر کف و شهادت طلب، در رکاب مولایش آماده هرگونه جان نثاری باشد و هرگز با گذشت زمان و طول کشیدن دوران غیبت، این میثاق را از یاد نبرد و در عقیده به آن حضرت، سست نگردد. با این حساب، اگر در مجالس و محافلی، در چنین روزی دعای عهد خوانده شود و متنی فارسی که همین مضمون و میثاق را دارد، چاپ و تکثیر شود ضمن پخش آن، هم به صورت دسته جمعی این «میثاق نامه» را بخوانند و با مولایشان تجدید عهد کنند، هم پای آن برگه را امضا کنند و به عنوان یادبود این روز عید و میثاق، نگه دارند و هر چند وقت یک بار آن را مرور و تجدید خاطره کنند، برای ایجاد حس معنوی و روحی در ارتباط با امامت امام حی و زنده و معاصر و ناظر بر اعمال ما شیعیان، مؤثر خواهد بود.

✱

حجت الاسلام علی صدوقی (استاد و مشاور اخلاق و تربیت مهدوی): برای رونق بخشیدن به مجالس این روز، اولین کاری که می توانیم بکنیم این است که سلسله مطالبی را برای گروه های دانشجویی و دانش آموزی که متناسب با فهم و درک آنان است مطرح کنیم، مثلاً نسبت و رابطه ای که رسول با امام و امام با رسول دارد و رابطه ای که امام و رسول با جامعه دارند را در این مطالب روشن کنیم. چون ما الآن پیامبرشناسی و امام شناسی مان ضعیف است؛ باید در قالب های مختلف اینها را منعکس کنیم.

کار دیگری که می توانیم انجام دهیم این است که سخن گویان را تشویق کنیم که موضوع بحث آنان، بحث امامت و مهدویت باشد.

همین طور در این ایام در مدارس، یک سری میزگرد و بحث آزاد بگذاریم که دانش آموزان پرسش های مهدوی خود را مطرح کنند. مجله امان می تواند به گروه های دانش آموزی خط بدهد که آنها چه برنامه هایی را می توانند تدارک

بخش دوم. مصاحبه‌ها/ پیشنهادهایی برای نهم ربیع □ ۷۳

ببینند، شورای دانش‌آموزی چه کارهایی می‌تواند انجام دهد. در قالب مقاله‌ای برای اولیای مدرسه و مدیران پرورشی و آموزشی مدرسه بیان کنیم که چه کار کنند. همچنین می‌توانیم به کانون‌های دانشجویی و دانشگاهی هم خط بدهیم؛ مثلاً گزارشی از یک کانون دانشجویی که سال گذشته در روز نهم ربیع کارهایی انجام داده‌اند را تهیه کنیم و برای دیگر کانون‌های دانشجویی بفرستیم.

※

حجت‌الاسلام رحیم کارگر (عضو پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی):

برای رونق بخشیدن به این روز باید همزمان دو نوع فعالیت را در دستور کار قرار دهیم. یکی فعالیت‌های تبلیغی - ترویجی و دیگری فعالیت‌های علمی - تخصصی.

فعالیت تبلیغی - ترویجی، کار رسانه‌ها، مطبوعات، نشریات، صدا و سیما و حتی سینما است. اینها باید با تمام قدرت در تبلیغ این روز وارد میدان شوند و کار تبلیغاتی خود را انجام دهند. مرکز تخصصی مهدویت و سایر مراکز مهدوی، با تمام قدرت وارد این حوزه کاری شوند و دانش‌پژوهان و مبلغان اسلامی را به همه جای ایران بفرستند. نه تنها مراسم جشن، بلکه مراسم سخنرانی، کلاس‌های پربار در این روز، توسط کارشناسان مهدویت برگزار شود، همچنین بروشورهای مناسب برای این روز تهیه شود تا بدین وسیله کار ترویجی - تبلیغی صورت پذیرد.

ما برای چیزهای ساده روز تعیین می‌کنیم، روز بدون سیگار، روز بدون ترافیک، روز همدردی با معلولان، روز بزرگداشت فلان شاعر؛ کار خیلی خوبی هم است؛ ولی متأسفانه برای این روز که شکرانه امامت و ولایت و بشارت الهی است نامی نداریم! یک نام خوب برای این روز انتخاب کنیم تا توجه مردم را به این روز مهم جلب کنیم. در نیمه شعبان مردم به عظمت آن روز توجه دارند، ولی به روز نهم ربیع، کمتر توجه دارند؛ در صورتی که این روز زمینه خوبی برای توجه دادن مردم

۷۴ □ نهم ربیع بیعتی دوباره با امام زمان ﷓

به حضرت مهدی ﷓ و تبلیغ معارف مهدوی است. در این ایام، ویژه‌نامه‌هایی با عنوان «امامت» منتشر کنیم و به موضوعاتی چون جایگاه امامت، منزلت امام و نیاز مردم و جهان به امام، کارکردهای امام حاضر و کارکردهای امام غایب، پردازیم و درباره آنها بحث کنیم. این روز را، روز ارتباط و انس با آن حضرت قرار دهیم و نماز شکر به جا بیاوریم، برای سلامتی حضرت صدقه بدهیم؛ قرآن بخوانیم؛ بلکه این روز را روز ابراز محبت و دوستی با امام زمان ﷓ قرار دهیم، با ایشان درد دل کنیم؛ ندبه کنیم. این روز را روزی قرار دهیم که نسبت به سال‌های پیش، معرفت و محبت ما نسبت به امام زمان ﷓ بیشتر شود.

*

دکتر سید رضی موسوی گیلانی (عضو هیأت علمی پژوهشکده آینده روشن): با توجه به قابلیت رسانه‌ها و ابزارهای تبلیغاتی، می‌توان از طریق وسایل ارتباط جمعی، به ترویج و تبلیغ این روز همت گمارد و از طرفی هم با برنامه‌های فرهنگی از جمله برگزاری جشنواره، سخنرانی، مسابقه کتابخوانی به خصوص با محوریت پیشوایان دین، به نهادینه کردن و تثبیت آن در میان مردم اقدام ورزید.

*

حجت‌الاسلام مهدی یوسفیان (کارشناس و استاد مباحث مهدویت): اگر ما بخواهیم نهم ربیع را که نخستین روز امامت امام عصر ﷓ است، رونق بدهیم لازم‌آش این است که بحث امامت و ظهور و حاکمیت امام عصر ﷓ را برای مردم به گونه‌ای تبیین کنیم که احساس نیاز در مردم به وجود بیاید. مردم به هر اندازه که به چیزی احساس نیاز کنند، به همان اندازه هم به آن توجه بیشتری می‌کنند و نسبت به آن برنامه‌ریزی می‌کنند. بنابراین باید معرفت مردم همراه با شور و نیاز مردم پررنگ شود. اگر بتوانیم بین نهم ربیع و غدیر پیوند لطیفی برقرار کنیم؛

بخش دوم. مصاحبه‌ها/ پیشنهادهایی برای نهم ربیع □ ۷۵

یعنی این نکته را تفهیم کنیم که حضور در نهم ربیع و بیعت با امام، یعنی حضور در غدیر خم و اگر بتوانیم مراسم بیعت را بازسازی کنیم، کار ارزشمند و خوبی است.

*

حجت‌الاسلام خدامراد سلیمیان (استاد و عضو پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی): متأسفانه فرصتی برای شناساندن روز نهم ربیع‌الاول دست نداده است. این روز آن‌طور که شایسته است برای علاقه‌مندان به آن حضرت تبیین نشده است، این امر می‌طلبد که فعالیت‌هایی در این زمینه انجام شود؛ اما این تبیین باید به گونه‌ای باشد که باور علاقه‌مندان را تعمیق ببخشد. وقتی این اتفاق افتاد، در واقع حقیقت عیدالزها را تبیین کرده‌ایم. گاهی عده‌ای دچار نگاه قشری و سطحی به برخی آموزه‌ها می‌شوند، بعضی از کارها و رفتارهایی که انجام می‌دهند بر اساس آموزه‌های اسلام و اهل‌بیت β نیست؛ آنان از حقیقت غفلت می‌کنند و چرایی بعضی از رفتارهای دینی را نمی‌دانند؛ در برگزاری جشن‌های عیدالزها، توجه به نکوداشت آغاز امامت امام مهدی علیه السلام می‌تواند افق و نگاه گسترده‌تری را پیش روی علاقه‌مندان آن حضرت قرار دهد، به عنوان مثال وقتی از آغاز امامت خرسند می‌شویم که در نهایت، منجر به برانداختن ستمگران شود و این توجه به اصل موضوع امامت ایشان است. اما گاه کسانی هستند که نگاهشان در برگزاری جشن‌های نهم ربیع روی مسائل جزئی می‌رود و متأسفانه این نگاه‌ها چندان به مصلحت شیعه و پیروان اهل‌بیت β نیست و در این گیر و دار، آن نگاه آرمانی فراموش می‌شود. لازم است کسانی که دغدغه دارند وارد میدان شوند، موجی رسانه‌ای ایجاد شود و رسانه‌های تصویری، شنیداری و نوشتاری در این موضوع حضور جدی پیدا کنند.

*

حجت‌الاسلام محمد یوسفیان (کارشناس مباحث مهدویت): در این زمینه باید تمام مراکز مهدوی در سراسر کشور برنامه‌ای هماهنگ تنظیم و اجرا کنند؛ مثلاً یک کار خوب این است که زنگ امامت همراه با صبحگاه امامت در مدارس کشور ترویج، تبلیغ و اجرایی شود.

✱

حجت‌الاسلام سید جعفر موسوی‌نسب (کارشناس مباحث مهدویت و نویسنده کتاب غدیر دوم): رسانه نقش اساسی می‌تواند ایفا کند. به نظر من همانطور که رسانه درباره واقعه بعثت، غدیر و عاشورا به میدان می‌آید، باید درباره جایگاه امام در عالم هستی و جایگاه امام زمان ﷑ در زمان غیبت، وارد میدان شود. رسالت مهمی بر دوش صدا و سیما و رسانه‌های ماست، سخنرانان ما، مسجدهای ما، دانشگاه‌های ما باید در بسط و گسترش فرهنگ اهل بیت ﷑ در روز آغاز امامت و ولایت حضرت ولی عصر ﷑ برنامه‌ریزی ویژه‌ای داشته باشند؛ همانطور که درباره عاشورا و غدیر برنامه‌ریزی می‌کنند.

✱

حجت‌الاسلام محمدرضا فؤادیان (معاون پژوهش بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود ﷑): باید رسانه ملی و بخش‌های فرهنگی جامعه و رسانه‌های مختلف اعم از نوشتاری، صوتی و تصویری، نهم ربیع را تبلیغ کنند که برای مردم شناخته شود و اگر سخنرانان، اهل منبر و اندیشمندان، همه به عنوان یک روز ویژه برای تبلیغ مهدویت در این روز وارد میدان شوند، تأثیرگذار است و از طرف دیگر همه عزیزانی که به امام زمان ﷑ علاقه دارند، سعی کنند آن روز را مهدوی زندگی کنند. به یاد امام زمان زندگی کنند؛ اگر کسی شاعر است، با یک شعر؛ اگر نقاش است، با یک نقاشی به یاد امام زمان باشد. کسی که کارمند است، آن روز برای همکارانش شیرینی و شکلات ببرد. اگر کسی بقال است، در محل کسب

بخش دوم. مصاحبه‌ها/پیشنادهایی برای نهم ربیع □ ۷۷

خود، طوری زندگی کند که مورد رضایت حجت خدا باشد و تعاملش با مشتری‌ها فرق کند. خلاصه امر آنکه همه کسانی که منتظر امام زمان هستند در روز نهم ربیع، به صورت ویژه زندگی کنند.

*

حجت‌الاسلام محمدامین بالادستیان (کارشناس و استاد مباحث

مهدویت): اگر این روز را به درستی ترسیم کنیم و جایگاه این روز را در میان کل مقاطع تاریخی نه فقط به عنوان یک روز جا بیندازیم، کار بسیار مهمی انجام می‌گیرد. ۱۲۴۰۰۰ پیامبر آمدند و اهداف و دغدغه‌ها و انگیزه‌هایی را دنبال کردند؛ ولی به سبب فراهم نبودن زمینه‌ها قرار بر این شد که امام مهدی علیه السلام بیاید و اهداف آنها را محقق کند؛ پس اگر ما به مسئله این‌طور نگاه کنیم که این مقطع تاریخی، مقطعی است که خداوند اراده کرده که کسی را بفرستد تا هدف انبیا را محقق کند آن وقت قشنگ می‌شود.

بخش سوم. نوشته‌های ادبی

میثاقی دوباره*

ای خدای عهدهای ناگسستی! قدم‌هامان را برای صداقت و ثبات، سرپنجه‌هامان را در تعهد و وفا و قلب‌هامان را در سرشاری مدام از مهرش مدد فرما.

ای خدای میثاق‌های ماندنی! اطمینان ما را به او و یقینمان را به وثوقش بیافزای. از ما شمشیر زنانی ساز که نه در داغ خرما پزان، نه در سوز برف‌ریزان و نه در پوسیدگی پاییز، ربیع با طراوتش را با هیچ متاعی معامله نکنیم. ای خدای قول‌های از یاد نرفتنی! بد عهدی ما را سبب‌ساز شکستگی‌مان مخواه و ناسپاسی‌هایمان را سبب سوز تَرَحُّمَش مکن. به ما بفهمان که نقض هر پیمانی پس از او رواست و حالی‌مان کن که قرار عاشقی همواره پا برجاست. ما را از مصالحه بر سر او باز دار و پایمان را گام‌زن کوچه‌اش بدار «و اقرن ثارنا بثاره»! صلی الله علیک یا عزیز!

مرا دریاب که بوران، مرا از مرصد تصویرت دور انداخته است و دیده‌ام سوی آمدنت نمی‌شناسد، تا سیاهی خود به پایش سپید کند. مرا دریاب تا ناقوس رهاییم

*. سعید مقدس

۱. خون ما را قرین خون او کن، (مصباح‌المتهجد، ص ۸۴۲).

را از قید تو فریاد نزنند، تا برای دمی آسودنت، حسرت به دل نمانم. مرا دریاب که در اجتهاد طاعتت شکست خورده‌ام و بگذار تکاپو از سربگیرم. مرا دریاب که پابند هر که شدم از سرخویش بازم کرد و حالا راه برگشت را هم نمی‌دانم.

کوچک بودم؛ تنها قدمی آن طرف برایش پیدا بود؛ اما تو تا عمق افق را می‌دید؛ روی زانو می‌نشستی و برایش از نورستانت می‌گفتی؛ خلعت خدمتت را در برم کردی؛ اما وقتی راه می‌رفتم به خاک می‌کشید و من کوتاه بودم؛ زود بود برایش انگار، اما تو می‌دانستی روزی قد می‌کشم و آستین نصرت، از سرپنجه‌ام پیش نمی‌ماند و من هنوز هم کوتاهی‌های امروز را می‌بینم و نمی‌فهمم. اگر دلهره‌های تو نباشد همین ردا به پایم می‌پیچد و زمین می‌خورم. بگذار شکوفه شکوایم بر شمشاد نیوشایت جوانه زند؛ بعد هر چه می‌خواهی ملامتم کن. بگذار لب برچیده‌ام، بغض‌های فروخورده را بیرون بکشد، آن وقت اگر رغبت مرا نکردی بیرونم انداز. مرا با تو سخنی هست.

اگر از رنجیدنت امانم می‌دهی؛ می‌گویم: حس می‌کنم دلت را زده‌ام و پایم دارد از میهمانیت می‌برد. دروغ نمی‌گویم؛ حالا که از زشت‌روی‌ام بری شده‌ای، عتابت را لمس می‌کنم، می‌فهمم. اکنون که ماتم گرفته‌ای و مدام محزون، ولی من نیز مدعای دروغین ندارم. نمی‌گویم اگر با هم از یک کوچه بگذریم، تنها رد پای تو به جا می‌ماند؛ لاف وفا زده‌ام؛ یقین کرده‌ام که هر سر تراشیده‌ای رسم قلندری نمی‌داند، هر شب‌گردی دل‌شدگی را تجربه نکرده است. من اگر سنگ تو را به سینه زده‌ام، اگر وقت و بی‌وقت عریضه برایت نوشتم، اگر نام تو را از نامردمان کتمان کرده‌ام، همه از شوری است که از حقیقت مهر تو برآشفته؛ همه‌اش از وفور آن سر زندگی است که از نفس‌های عمیقم در یاس‌خانه‌ات دارم؛ نه برای از کسی جز تو حتی مرحبایی طلبیدن. مرا با تحویل نگرفتنت تأدیب نکن. باور کن من از روی حماقت است که خویش را به تغافل می‌زنم، نه از سر تمرد. به من حق بده،

کسی را در دربارت ندارم، یک سکه هم در توشه بارم نیست برای خریدن نازت. یا انیس! می‌ترسم از آینده‌ای که در هوای مه‌آلوده تقدیر گم شده هراس دارم. نکند مرا محکوم کنی به از دست دادنت؛ نکند نابود شوم با هبوط از نینوایت. صلی الله علیک یا عشق!

پای برکات قرارمان برای وعده‌ای که داده‌ای؛ برایم عقدی از ثریا برچین تا عقداً در نور مستور بماند. باغت اگر لاله داشت بیاور تا شمعدانش کنیم؛ آینه‌ای هم تا اگر نتوانستم خیرهات شوم عکست را چشم انداز تماشا کنم. برقع از روی بینداز؛ نقاب از چهره بگیر و شکوه هویدا کن. تو با سرکشی چون من، عقد اخوت نبسته‌ای؛ اما من روزی هزار بار بر بنوت خویش سوگند خورده‌ام. تو من سیاه‌کار و مسی را نمی‌پسندی؛ اما من همه جا را گشته‌ام و تو محسن را گزیده‌ام. بیا اکنون که سپیده از فراز شانه شب سَرک می‌کشد با من سر سفره‌ای که با سلیقه خودم چیده‌ام میثاقی بدار. بیا و مرا از غل و زنجیرها با بیعت خویش ابتیاع کن. بیا از قفایم بگیر و به مرزهای خودت بسپار. مرا با حلقه یاس که دستم می‌کنی متحول کن، زیر و رویم ساز. می‌خواهم آدم دیگری شوم. می‌خواهم بلندم کنی و راهم اندازی. تو همانی که من می‌خواهم؛ بی‌تابی بدیل بی‌نظیر: «رضیتک یا مولای اماما و هادیاً و ولیاً و مرشداً لا ابتغی بک بدلاً»^۱.

اگر آن پیمان زرین و عهد عتیق نبود که دیروز در عالم ذر بستیم، کجای امروز خبraz جستاری عاشقانه بود؟ گفتند به ربوبیت اقرار کنم و گردن بگذارم طاعت تو را آن دم که پذیرا شدم. لَوْلَا شاهوار ولایت را پیشم به ودیعت دادند. چه نفرین شدگانند آنان که نقض میثاق کنند. به راستی عاقبتی را برایشان رقم زده‌اند جز خانه‌هایی که از آن سعیر زبانه می‌کشد. وقتی عهدت می‌شکنند کامت تلخ

۱. مولای من راضیم به این که تو امام و هادی و ولی من و راهنمای من باشی و جایگزینی برای من نمی‌جویم. (مفاتیح الجنان، زیارت سرداب مطهر).

می‌شود. با هریک نفری که ابلیس از رکابت می‌رباید، خیمه‌های سپید سپاهت تنگ‌تر می‌شود. چیست دشواری این معاهده که غربال گون خبیث را از طیب تمیز می‌دهد؟ سختی‌اش به تحمل طعنه‌هاست. به قناعت در غنای تو را داشتن و از جرگه غلامانت عزلت نگزیدن. تهمت دیوانگی شنیدن و سنگ طفلان خوردن به خویشتن را پای تو پیر کردن و حیات را وسیله مواسات تو دانستن ... و سر این شداید را تنها آنانی در خواهند یافت که لب به لب مودت تو تر کرده باشند. □□□^۱ نَمَا يَتَذَكَّرُ أُولَئِكَ الْأَبَابِ الَّذِينَ يُوفُونَ بِعَهْدِ اللَّهِ وَ لَا يَنْقُضُونَ الْمِيثَاقَ O . کسی که می‌اندیشد ستودن تو آسودگی دارد، بیاید و از دور میثاقی را بنگرد. بر چکاد دار ابتلا قصیده وصل تو سرودن و مثنوی وصف تو خواندن آسان نیست، خودت می‌دانی... .

حجر الاسود را می‌شناسم؛ نخست ملکی بود که مقرر به عهد الست آمد تا پروردگارش میان مخلوقات، امین قرار دهد او را، بدل به سنگی ساختند ساکن در رکن بیت تا حاجیان تجدید قول و قرار نزد او امانت نهند. و ای دل غافل مباش که امین الله تو در مطاف است - همو که ثقل میثاقش در تسلیم حجر می‌کنی - نگاه کن، کعبه تبرک از استلام او می‌جوید. دیده به خانه دوختی؛ مات صاحبخانه هم باش. دست سوی او فراگیر و برکبریای او تکبیر گوی و آن گاه: «امانتی ادیتها و میثاقی تعاهد انه لثشهد لی بالموافاة»^۲ امانتم را ادا کردم و میثاقم را از عهده برآمدم تا گواهی دهی به وفایم»^۳.

۱. جز این نیست که صاحبان خرد تذکر می‌یابند، همانان که به عهد خدا وفا می‌کنند و پیمان را نمی‌شکستند. (رعد/۱۹ و ۲۰).

۲. جمله‌ای که مستحب است حجاج هنگام استلام حجر بخوانند.

۳. میثاقی و سپیده، ص ۶۳-۶۷ با تلخیص.

غروب اسارت (واپسین لحظات زندگی امام حسن عسکری علیه السلام)*

مهدی جان! در این واپسین لحظات زندگی، چگونه آغاز تو را مرور نکنم؟ و امر امامت را بر دوش تو کودک چند ساله‌ام بگذارم، حال آن که لحظه پر شکوه میلادت مقابل چشمانم می‌درخشد. هنگام تولد تو، نوری از سر و رویت به اطراف آسمان می‌درخشید. مرغان سفیدی از آسمان فرود می‌آمدند و بال‌های خود را بر سر و روی بدن آسمانی‌ات می‌کشیدند و پرواز می‌کردند. خادمان خانه با حیرت شگفت‌آوری از این ماجرا سخن می‌گفتند. با تبسمی مشتاقانه از راز این قصه پرده برداشتم: «آنها از فرشتگان آسمان‌ها بودند که در موقع ظهور این طفل، یاوران او خواهند بود. آنها آمده بودند تا به او تبرک بجویند».

موعود من! امید اهل بیت! عالم اینک در انتظار تو نشسته است. تو را مهدی می‌خوانند؛ زیرا خداوند تو را به امر الهی خود هدایت نموده است.

آه! اینک پدر جوانت، در گوشه سامراً سر به بالین شهادت می‌گذارد. شش سال از شهادت پدرم می‌گذرد. در این مدت بار دشوار امامت، بر دوش من که نه، در جان من حمل می‌شد. معتمد عباسی تا لحظه‌ای دیگر به خواسته بزرگ خود می‌رسد. سال‌های اسارت و غم، سال‌های غم و تنهایی، روزهای تنهایی و سکوت

... آه! که چه غریبانه و تلخ گذشت. پدر بیست و هشت ساله تو، راهی سفر شد. معتمد در امتداد جنایت‌های پدرش متوکل، شربت زهرآلودی بر من خوراند که... . فرزند امید! دل را به فردایی سپرده‌ام که تو در آن، حقیقت دین را افشا خواهی کرد. دنیا را با همه فرازها و نشیب‌هایش، با تمام پستی‌ها و بلندی‌هایش به تو می‌سپارم. به تو می‌سپارم دردهای نهفته‌ای را که جز در و دیوارهای اتاق کوچکم در سامرا، به احدی تاب گفتنش را نداشتیم. اسارت و سکوت حسنی باز هم در قصه من رقم خورد. اما آه بگویم که خروش و فریاد حسینی نصیب تو خواهد شد؟! چه خروشی، چه قیامی؟! تو که باید حسن بمانی و هم حسینی باشی. هم حسین کربلای خود باشی و هم زینب سفر اسارت خویش. باید هم علی خانه نشین، بمانی و هم حیدر کرار. هم زین‌العابدین داغدار باشی و هم باقرالعلوم تقیه‌ها و هم شکافنده دانش‌های درون. هم صادق آل محمد باشی و استاد علوم آسمانی، و هم موسی بن جعفر زندانی نشسته در غل و زنجیر هارون باشی و هم علی بن موسای رسوا کننده دسیسه‌های مأمون. هم غربت زده تنهایی‌های خود باشی و هم جواد الائمه محبوب همگان. هم جواد بی‌کس و تنها بمانی و هم هادی مظلوم بزرگ. هم هادی بزرگ باشی و هم حسن غمدیده اسیر... .

تو مجموعه اسرار عدالتی، مرکز اجتماع حقایق، قبله‌گاه جاده‌های عرفان. آری، آری، در یک جمله، در یک کلمه تو مهدی هستی.

پلک بر هم می‌نهم تا پیش از اتمام تصاویر، تو را دریابم؛ تویی که پیش از میلادت در نگاهم منزل داشتی. تو را تمام کائنات عالم، چشم به راه خواهند بود. تو را به خدایی می‌سپارم که قدرت آسمان‌ها و زمین به دست اوست.

زهر معتمد در شربت گوارایی حل شد و شربت او در خون من، در جگرم، ولی به این می‌اندیشم که چگونه معتمدهای تاریخ، زهر غربت را در جان خسته تو می‌ریزند و شیعیان منتظر در تلخی این زهر، سالیان سال به استغاثه و فریاد بر

می‌خیزند.

آه! روزگار عجیبی است؛ مهدی جان! به کجا می‌توان پناه برد؟ با چه کسی می‌شود درد دل گفت؟ عاشقان خود را دریاب! شیعیان منتظر را یاری کن!^۱

۱. برگرفته از کتاب این سند خورشید است.

آخرین نشانه*

ابوالادیان صدایش می‌زدند. خدمتکار امام حسن عسکری (ع) بود و نامه‌های او را به شهرها می‌برد. در آن مدتی که امام بیمار شده بود، او هم مثل دیگران نگران و غمگین بود.

آن روز حضرت صدایش کرد و نامه‌هایی را که برای بعضی از شیعیان شهرهای دیگر نوشته بود، به دستش داد و فرمود: «اینها را به دست صاحبانشان برسان. پانزده روز دیگر این جایی و وقتی نزدیک خانه شدی، صدای گریه و شیون از خانه‌ام خواهی شنید و می‌بینی که پیکر مرا برای غسل و کفن می‌برند». ابوالادیان غمگین شد. بار دیگر به یاد موضوع جانشین امام افتاد. پرسید: «آقای من! اگر این اتفاق غم‌بار رخ می‌دهد، پس برایمان بگوئید که امام بعد از شما کیست؟»

امام سر بلند کرد، فرمود: «تو کار خود را انجام بده! هر کس در بازگشت، پاسخ نامه‌ها را از تو خواست، او جانشین واقعی من است».

ابوالادیان نشانه‌های بیشتری خواست. امام فرمود: «نشانه دیگر اینکه هر که بر پیکر من نماز خواند، او امام بر حق است و هر که «همیان» یا بسته خاصی را -

*. حمیده رضایی.

که از جایی خواهد رسید - خواست، او جانشین من است». ابوالادیان سکوت کرد و رفت تا آماده سفر شود. با خود فکر می‌کرد که چه خواهد شد؟ یعنی دوازدهمین امام کیست؟ پیش از خروج از خانه، نامه‌ها را در میان پیراهن خود پنهان کرد و از منزل امام خارج شد. همه می‌دانستند که اطراف خانه پر از جاسوسان خلیفه است. اگرچه معتمد عباسی چهار سال پیش، دارالخلافه (مرکز خلافت) را از سامرا به بغداد منتقل کرده بود، اما مأمورانش شبانه‌روز خانه امام را زیر نظر داشتند و مراقب رفت و آمدها بودند.

پانزدهمین روز سفر بود که ابوالادیان به سامرا بازگشت. هنوز طنین حرف‌های امام حسن عسکری علیه السلام در گوشش زنگ می‌زد. به خانه امام نزدیک شد. صدای شیون از دور به گوش می‌رسید. غم بزرگی در دلش نشست. آری، امام از دنیا رفته بود، ولی راستی حالا امام بعد از او که بود؟ جمعیت جلو در خانه امام موج می‌زد. ابوالادیان جلوتر رفت. جعفر، برادر امام را دید که همراه گروهی جلوی در خانه ایستاده و عده‌ای شهادت امام را به او تسلیم و عده‌ای جانشینی و امامتش را تبریک می‌گویند. ابوالادیان و عده‌ای از شیعیان خاص امام ماتشان برده بود. آخر همه اهل سامرا، جعفر را می‌شناختند. او نمی‌توانست دوازدهمین امام شیعیان باشد. او به «جعفر کذاب» معروف بود. فرزند امام هادی علیه السلام و برادر امام حسن عسکری علیه السلام بود، ولی سرگذشتش مانند پسر نوح بود که به خاطر هم‌نشینی و دوستی با افراد گناه‌کار و ناصالح، از عصمت خاندانش دور شده بود. امام حسن عسکری علیه السلام هرگز او را محرم اسرار خود نمی‌دانست. تا جایی که از تولد فرزندش مهدی علیه السلام، به او چیزی نگفته بود و تنها عده‌ای از شیعیان مورد اعتماد از این موضوع باخبر بودند.

ابوالادیان، به یاد نشانه‌های امام افتاد. به جعفر نزدیک شد. مثل دیگران تبریک و تسلیت گفت، ولی حرفی نشنید. جعفر نه چیزی از او خواست و نه پرسشی کرد. حالا دیگر مطمئن بود که او امام دوازدهم نیست. پس چرا برای نماز بر پیکر امام عسکری علیه السلام آماده شده؟! مگر خود امام نفرموده بود که هر که بر پیکر نماز بخواند، امام بر حق است؟!!

ابوالادیان نمی‌دانست چه کند. ایستاده بود و با حیرت به جعفر نگاه می‌کرد. جعفر در حالی که با عده‌ای از جاسوسان خلیفه می‌آمد، وارد صحن خانه امام شد و عده‌ای از شیعیان هم در پیش بودند. صف نماز تشکیل شد و همه چیز آماده بود. ناگهان کودکی از درون خانه بیرون آمد که نورش مثل ماه همه‌جا را روشن کرد. سرها همه به طرف او برگشت. راستی او که بود؟

کودک که صورتی گندمگون، موهایی به هم پیچیده و دندان‌هایی گشاده داشت به سمت جعفر رفت و با شجاعت و شهامت ردای او را گرفته و به عقب کشید و گفت: «عمو! عقب برو! من باید بر پیکر پاک پدرم نماز بگذارم نه تو، چون من بر این کار از همه شایسته‌ترم».

جعفر که رنگ از رویش پریده بود، بی‌اختیار عقب‌نشینی کرد و کودک نورانی جلو آمد و بر پیکر امام نماز خواند و او را در کنار مرقد امام هادی علیه السلام به خاک سپرد.

حالا شادی و غم، هر دو در دل ابوالادیان موج می‌زد. آری! ابوالادیان آن کودک را می‌شناخت، او «مهدی» فرزند کوچک امام حسن عسکری علیه السلام و امام دوازدهم شیعیان بود. این نخستین نشانه بود که از او می‌دید، حتماً نشانه‌های دیگر هم درست خواهد بود. باید منتظر می‌ماند.

بعد از نماز، کودک پاسخ نامه‌ها را هم از ابوالادیان خواسته بود و حالا فقط یک نشانه دیگر مانده بود، آخرین نشانه!

۹۰ □ نیم ربیع بیعتی دوباره با امام زمان ﷻ

از خانه بیرون آمد. جعفر با چهره‌ای برافروخته همراه عده‌ای بیرون خانه امام ایستاده بود. کسی پرسید: «جعفر! آن طفل را شناختی؟»
- به خدا که تا به حال نه او را دیده و نه می‌شناسم!
همان وقت کاروانی از قم رسید. آنان احوال امام را جویا شدند. ولی با شنیدن خبر رحلت او گریستند. پرسیدند: «حالا امام بعد از او کیست؟»
گروهی جعفر را نشان دادند. کاروانیان جلو آمدند و به او تبریک و تسلیت گفتند. آنان خطاب به جعفر گفتند: «نامه‌ها و اموالی همراه ماست، بگو نامه‌ها از کیست و مال‌ها چه مقدار است تا آنها را به تو تحویل دهیم؟!»
جعفر عصبانی شده و از جا بلند شد. خاک لباسش را تکاند و گفت: «شما می‌خواهید من از غیب خبر بدهم؟»
همین وقت بود که خدمتگزاری از خانه امام بیرون آمد و پاسخ پرسش آنها را داد. کاروانیان خوشحال شده و گفتند: «همان وجود گران‌مایه‌ای که تو را به سوی ما فرستاده، امام ماست.»
ابوالادیان حالا خوشحال‌تر از همیشه بود. آری، آخرین نشانه هم درست بود و آن کودکِ نورانی، امام مهدی ﷻ، دوازدهمین امام شیعیان بود.

سلیل خاتون*

تاریخ تشیع، کسانی را در حافظه دارد که مانند ستاره در افق روزگار می‌درخشند، هر چند نامشان سر زبان‌ها نباشد. «سلیل»، مادر امام حسن عسکری علیه السلام یکی از آن ستارگان درخشان است. ایشان در زمان شهادت فرزندش امام حسن عسکری علیه السلام، در هشتم ربیع‌الاول سال ۲۶۰ هجری قمری در شهر مدینه بودند و به محض شنیدن خبر شهادت فرزندش، به سامرا می‌روند و در محکمه با نشان دادن وصیت‌نامه امام عسکری علیه السلام، اموال امام را از جعفر کذاب پس می‌گیرند؛ زیرا امام حسن عسکری علیه السلام در وصیت‌نامه‌ای که به مادرش نوشته بود، او را وصی خود اعلام کرده بود. با این کار، وصی بودن جعفر منتفی شد و دربار عباسی از رسیدن به آرزوی خود باز ماند؛ چون آنها ردای امامت را به تن جعفر پوشانده بودند و مردم، به خصوص شیعیان، از این انتخاب متحیر بودند. سلیل خاتون - که در نزد شیعیان به جده معروف بود - مردم را از اطراف جعفر پراکنده کرد و روایات رسیده از اهل بیت درباره امامت امام زمان علیه السلام را به مردم باز گفت. شاید بتوان گفت این بانوی شجاع، اولین کسی بود که مبشر آغاز امامت حضرت حجت علیه السلام در نهم ربیع‌الاول سال ۲۶۰ هجری قمری بود.

*. رقیه ندیری.

روزشمار ربیع؛ از شهادت تا بیعت

ماههای آغازین سال ۲۶۰ هجری

دستگاه خلافت و جعفر	منزل امام عسکری (ع)
۱. دستگاه خلافت عباسی به شدت امام را زیر نظر دارد. آنها به دلیل نفوذ و شایستگی امام (ع) و ترس از ولادت آخرین وصی نقش های شومی می کشند.	۱. امام حسن عسکری (ع) شش سال در محاصره شدید در سامرا به سر برده، ولی حکایت خوبی های ایشان، روز به روز در سطح جامعه، رو به گسترش است.
۲. جعفر، برادر امام عسکری (ع) است که همانند پسر نوح منحرف شده است.	۲. شیعیان در شدیدترین فشارها هستند و تنها رابطه آنها با امام (ع) از طریق عثمان بن سعید است که با شیوه های خاصی صورت می گیرد.
	۳. امام (ع) پانزده روز قبل از شهادت، خدمتکارش، ابوالادیان را باخبر می کند و او را برای مأموریتی می فرستد.

اول ربیع الاول

منزل امام عسکری (ع)

معتمد، خلیفه عباسی، امام (ع) را مسموم می کند. امام (ع) بیمار و بستری می شود.

سوم ربیع الاول

دستگاه خلافت و جعفر	منزل امام عسکری (ع)
<p>۱. پزشکان ویژه دربار از نجات یافتن امام (ع) اظهار نومییدی می کنند.</p> <p>۲. خلیفه دستور می دهد، پزشکان همچنان در منزل امام بمانند. ده نفر قاضی تحقیق هم با آنها همراه می شوند تا امام (ع) را زیر نظر بگیرند.</p>	<p>۱. خبر بیماری حضرت در شهر می پیچد و موجب اندوه شیعیان می شود.</p> <p>۲. شیعیان حتی در روز های آخر هم نمی توانند امام خود را ببینند و درباره جانشین او، اطلاعات کامل تری به دست آورند.</p>

هفتم ربیع الاول

دستگاه خلافت و جعفر	منزل امام عسکری (ع)
<p>۱. فزونی یافتن حضور مأموران و جاسوسان دربار در منزل و اطراف آن.</p> <p>۲. جعفر که شهادت برادر را نزدیک می بیند، با تشویق دستگاه خلافت، خود را جانشین امام عسکری (ع) معرفی می کند و همراه دوستانش به منزل امام می آید .</p>	<p>وخیم شدن حال امام (ع). شدت اندوه شیعیان شهر. راه یافتن عثمان بن سعید، بزرگ شیعیان شهر، به منزل امام (ع).</p>

نیمه شب هشتم (سحرگاه)

منزل امام عسکری ﷺ

۱. حال امام ﷺ و خیم می شود و در آخرین لحظات می خواهد فرزند پنج ساله اش را ببیند.
۲. فرزند دور از چشم جاسوسان بر بالین پدر آمده و ظرف آب را به پدر می دهد. سپس برای وضو گرفتن به او کمک می کند.
۳. امام عسکری ﷺ پس از خواندن نماز صبح، آخرین وصیت ها را به فرزند خود می گوید و آن گاه در آغوش فرزندش جان به جان آفرین می سپارد.

صبح روز هشتم ربیع الاول

دستگاه خلافت و جعفر	منزل امام عسکری ﷺ
۱. مأموران دربار، پزشکان، قضات و جاسوس ها پس از شهادت امام سه مأموریت بر عهده دارند: الف) انجام سوگواری نمایی؛ ب) پراکندن شایعه مرگ طبیعی؛ ج) جستجو برای یافتن فرزند احتمالی امام.	۱. بانگ شیون در منزل امام ﷺ، نشانه شهادت اوست. ۲. شیعیان با شنیدن خبر، بی توجه به خفقان و حضور گسترده مأموران خلیفه، به منزل امام ﷺ سرازیر می شوند. ۳. شیعیان، منتظر مراسم اقامه نماز بر پیکر امام ﷺ هستند؛ چرا که می دانند جز امام معصوم کسی بر امام ﷺ نماز نخواهند گزارد.
۲. جعفر سعی می کند با کمک اطرافیان، خود را تنها وارث برادر و بزرگ شیعه و شایسته امامت معرفی کند! بنابراین، خود را آماده برگزاری مراسم نماز می کند.	

ظهر روز هشتم

دستگاه خلافت و جعفر	منزل امام عسکری (ع)
<p>۱. خلیفه و درباریان، برای تشییع پیکر امام می آیند و همراه انبوه مردم شهر و سربازان بیرون منزل امام (ع) منتظر می مانند.</p> <p>۲. دستگاه خلافت از اینکه امام عسکری (ع) فرزندی ندارد، شادمان است و خیال می کند سلسله امامت شیعه به پایان رسیده و</p> <p>۳. جعفر که ظاهری غمگین دارد، با غرور به سمت جنازه می رود. رو به قبله می ایستد و دست ها را بالا می برد تا تکبیر نماز را بگوید، ولی ناگهان کودکی گندم گون و زیبا او را کنار می زند. جعفر وحشت زده عقب می رود. کودک با چشمان اشکبار نماز می خواند و ...</p> <p>۴. جعفر در اجرای نقشه هایش ناکام می ماند و خانه برادر را ترک می کند.</p>	<p>۱. پیکر امام (ع) پس از غسل و کفن، به حیاط منزل آورده می شود و برای اقامه نماز رو به قبله گذاشته می شود .</p> <p>۲. در منزل امام (ع) جز اهل خانه و ابوالادیان، کسی نمانده است.</p> <p>۳. کاروانی از بزرگان قم برای دیدار با امام عسکری (ع) به سامرا آمده که همراهشان نامه و کیسه های طلاست.</p> <p>۴. آنها ناامید در حال دور شدن از شهر هستند که غلامی آنها را دوباره به منزل امام عسکری (ع) دعوت می کند. غلام، آنها را به اتاق می برد. ابوالادیان با شگفتی همراهشان می رود. در آنجا با کودکی نورانی روبرو می شوند. آنها احترام می گذارند و کودک پس از احوال پرسی، از نامه ها و کیسه ها می گوید.</p> <p>قمی ها شادمان و شگفت زده، سر به سجده گذاشته و خداوند را شکر می کنند و پس از شناخت امام خود، با ایشان پیمان می بندند.</p>

عصر روز هشتم

منزل امام عسکری (عج)

۱. در منزل، جاسوس های خلیفه و شیعیان عزادار حضور دارند.
 ۲. ابوالادیان در صدد شناخت آخرین امام است. آن هم به وسیله نشانه هایی که از امام عسکری (عج) فرا گرفته است.
 ۳. جعفر سعی دارد، به نام امام آنها را فریب دهد، ولی آنها که اهل حدیث و دانش هستند، او را امتحان می کنند و جعفر رسوا می شود.
- و چنین شد که :

هشتم ربیع الاول سال ۲۶۰ هجری، امام عسکری (عج) به شهادت رسید و فرزندش، امام مهدی (عج)، جانشین ایشان شد. اولین بیعت گران افتخارآمیز امام زمان (عج) ، مردانی از شهر قم و مناطق غربی ایران بودند؛ وارثان سلمان فارسی، نزدیک ترین یاور پیامبر (ص) و امام علی (عج) بودند؛ باشد که زمینه سازان ظهور حضرتش هم باشند.